

تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران (ریزگردها)

نرگس اکبری *

علی مشهدی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/cilamag.2019.79111.1434

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۹

چکیده

هدف اصلی گاپ این است که با افزایش میزان درآمد و استانداردهای زندگی، تفاوت‌های توسعه منطقه‌ای را از بین ببرد و با کمک افزایش ظرفیت تولید و اشتغال بخش روستایی، به اهداف توسعه ملی، ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی کمک کند. فعالیت‌های فعلی گاپ شامل بخش‌هایی نظیر کشاورزی و آبیاری، تولید برق آبی، زیرساخت‌های شهری و روستایی، جنگل‌داری، آموزش و پرورش و بهداشت است. با این حال، پیامدهای زیست‌محیطی گاپ در سطح داخلی و بین‌المللی بحث‌انگیز است.

هدف از تدوین این مقاله، بررسی تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ است. مقاله حاضر به بررسی مفاد کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در این رابطه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که طیف گسترده‌ای از تعهدات زیست‌محیطی که در اسناد بین‌المللی متفاوت لحاظ شده است در حوزه سدسازی نیز حاکم است که ترکیه باید این تعهدات را اعمال کند.

واژگان کلیدی

ترکیه، تعهدات، محیط‌زیست، سدسازی، گاپ

مقدمه

در سال ۱۹۳۶ طرحی به نام طرح آناتولی جنوب شرقی^۱ شکل گرفت و از ۱۹۸۰ به‌طور جدی دنبال شد. ترکیه از سال ۱۹۷۷ در قالب پروژه گاپ، اقدام به سدسازی‌های متعددی در مسیر دجله و فرات کرده است. گاپ طرحی عمرانی است که بر اساس آن، دولت ترکیه در نظر دارد مجموعه‌ای از سد و نیروگاه برق آبی را بر بخش بالایی رودخانه‌های دجله و فرات بسازد که از کوه‌های آناتولی مرکزی سرچشمه می‌گیرند و از جنوب شرقی آن کشور به سوی سوریه و عراق روان می‌شوند. دولت ترکیه برای به‌دست‌آوردن فواید بسیاری که پروژه گاپ به دنبال دارد، از تخریب محیط‌زیست و خطرات زیست‌محیطی غافل شده است. این فواید عبارت‌اند از: تأمین برق، آب آشامیدنی، صنعت و کشاورزی، کنترل سیلاب‌ها، فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای جاده، راه‌آهن، فرودگاه، جاذبه گردشگری، کارخانه، بیمارستان، مدرسه، امکانات نوین برای ساکنین این کشور و جلوگیری از مهاجرت مردم.^۲

دولت ترکیه برای اجرای کامل این طرح، سی سال زمان و ۳۲ میلیارد دلار پول در نظر گرفته است. در این طرح، ۱۴ سد بر روی فرات، ۸ سد بر دجله و در مجموع، ۱۹ نیروگاه برقابی ساخته خواهد شد. پس از تکمیل، این طرح قرار است ۱/۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی را آبیاری و سالانه ۵۵ میلیارد کیلو وات ساعت برق تولید کند. نخستین سازه بزرگ که در این طرح ساخته شد در سال ۱۹۹۲ سد آتاتورک با حجم مخزن ۳۰ میلیارد مترمکعب بود. این سد در حال حاضر بزرگ‌ترین سد خاورمیانه و نهمین سد بزرگ دنیاست و از قابلیت حبس تمامی آب فرات در پشت مخازن خود برخوردار است.^۳

این سد، منجر به افزایش سطح زیر کشت در جنوب دریاچه سد شده است. علاوه بر آب فراوان، استفاده از کودها و سموم شیمیایی، جزئی جدایی‌ناپذیر از توسعه کشاورزی هستند. سد آتاتورک از جمله سدهای گاپ در ترکیه است که اصلی‌ترین عامل خشک‌شدن مساحت زیادی از زمین‌های کشاورزی عراق است. به عبارتی، آب رودخانه‌های دجله و فرات به‌واسطه سدسازی‌های ترکیه کم شده و دشت بین‌النهرین رطوبت خود را از دست داده و به منبعی برای تولید گردوغبار تبدیل شده است. دولت ترکیه با افتتاح سد بزرگ آتاتورک بر رود فرات، پدیده ریزگردها در منطقه را به وجود آورد که به ایران سرایت کرد و هر سال با سدسازی‌های دیگر توسط ترکیه بر دجله و فرات، این پدیده در حال شدیدشدن است. به‌علاوه این امر، بیابان‌زایی در عراق را سبب شد. تا امروز در ترکیه

۱. به زبان ترکی استانبولی، Projesi Anadolu Guneydogu و به‌صورت خلاصه GAP (گاپ).

۲. محمدی، عباس؛ «نگاهی به طرح عظیم گاپ در ترکیه و آثار آن بر حوضه دجله و فرات»، ماهنامه آب-جهان سبز، ۱۳۹۴، شماره‌های ۴ و ۵، ص ۷۸.

۳. پیشین.

۵۰۳ سد ساخته شده است که تحت مدیریت اداره کل امور آب ترکیه است. از این تعداد، ۲۰۳ سد، جزء سدهای بزرگ به شمار می‌روند و بقیه آن‌ها سدهای کوچک هستند. با تکمیل نهایی پروژه گاپ، ترکیه حدود ۴۵ درصد آب رودخانه‌های دجله و فرات را کنترل خواهد کرد.^۴

سد /یلیسو از مجموعه سدهای پروژه گاپ است که ساخت آن از سال ۲۰۰۶ بر روی سرشاخه‌های رود دجله در منطقه‌ای بین مرز ترکیه، سوریه و عراق آغاز و مراحل پایانی ساخت خود را طی می‌کند. کارشناسان، حجم آبیگیری سد /یلیسو را ۳۵ میلیارد تا ۴۵ میلیارد مترمکعب تخمین می‌زنند. با ساخت این سد، ۶۷۰ هزار هکتار زمین در عراق خشک خواهد شد و بحران‌های اجتماعی در این کشور شکل خواهد گرفت که این بحران‌ها بر ایران نیز بی‌تأثیر نیست؛ به این صورت که بعد از خشک‌شدن زمین‌های کشاورزی عراق، ریزگردها در ایران به‌صورت چشمگیری افزایش پیدا می‌کند. در مورد تأثیر سدسازی‌های ترکیه و به‌ویژه سد /یلیسو بر اقلیم ایران می‌توان گفت خشک‌شدن تالاب‌ها، مرگ و میر بسیاری از گونه‌های دریایی، سیل مهاجرت‌های داخلی و کشورهای عراق و سوریه به سمت ایران و تشدید پدیده حاشیه‌نشینی، تنها بخشی از خطراتی است که به دلیل ساخت سد /یلیسو توسط ترکیه گریبانگیر کشور ایران است. به‌علاوه سدسازی‌های کشور ترکیه، عامل اصلی خشکسالی مقطعی تالاب هورالعظیم بوده است و با ساخت سد /یلیسو که چندین برابر ظرفیت سدهای ساخته‌شده تا امروز ظرفیت نگهداری آب را دارد در سال‌های آینده، خشکسالی‌های بزرگ، افزایش ریزگردها در منطقه جنوب‌غربی و غرب ایران یکی از مشکلاتی زیست‌محیطی قابل توجه خواهد بود. این موارد در نهایت باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی در این مناطق خواهد شد و در نتیجه سیل عظیمی از مهاجران کشورهای عراق و سوریه به سمت مرزهای ایران روانه می‌شود. این مهاجرت‌ها شامل ایران نیز می‌شود و از شهرهای جنوب‌غربی مهاجرت‌های زیادی به دیگر شهرها خواهد شد. بنابراین پدیده حاشیه‌نشینی تشدید می‌شود و معضل بعدی، نابودی تمدن ایران در جنوب‌غربی و غرب کشور است. در مورد تالاب هورالعظیم باید افزود که یک‌سوم آن در ایران واقع شده و با احداث سد /یلیسو، این تالاب به‌طور کامل خشک می‌شود و در نتیجه آبزیان این تالاب از بین خواهند رفت و به تبع آن، تعداد زیادی از صیادان بیکار می‌شوند و نیمی از آب تجدیدپذیر ایران از بین خواهد رفت و بیش از ۲۳ استان در ایران بعد از احداث سد /یلیسو دچار پدیده ریزگردها خواهند شد. تخریب محیط‌زیست ناشی از پروژه گاپ به اندازه‌ای است که محافل زیست‌محیطی داخل ترکیه هم اعتراض کرده‌اند. این پروژه منجر به مشکلات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری برای کشورهای منطقه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌شود.^۵

۴. پیشین.

۵. پیشین، ص ۷۹.

در حال حاضر که پروژه گاپ هنوز به‌طور کامل اجرا نشده است، تأثیرات زیست‌محیطی آن شروع شده است.

این نوشتار به دنبال آن است که با استفاده از اسناد حقوقی بین‌المللی، اصول زیست‌محیطی نقض‌شده توسط ترکیه و تعهدات زیست‌محیطی و مسئولیت این دولت را در زمینه سدسازی (پروژه گاپ) تحلیل کند.

۱. اثرات زیست‌محیطی سدها

آبراه‌ها مسیری هستند که برای عبور آب به وجود می‌آیند و به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: قنات‌ها یا راه‌آب‌هایی که برای عبور آب ایجاد می‌شوند. راه‌های آبی که برای عبور کشتی‌ها و وسایل نقلیه آبی ایجاد می‌شوند، اغلب به رودخانه‌ها، دریاچه‌ها یا اقیانوس منتهی می‌شوند. آبراه‌ها از به‌هم‌پیوستن جریان‌های سطحی و زیرزمینی به وجود می‌آیند و مکانی مهم برای جریان آب، انرژی، مواد و گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی هستند. ناهمگونی مکانی و زمانی سیستم‌های آبراه‌ها، منجر به ایجاد زیستگاه‌های آبی پویا و متنوع و در نتیجه، پیدایش تنوع زیستی گوناگون شده است که همگی آن‌ها توسط نظام تغییرات مکانی جریان آبراه حفظ می‌شوند.

ارتباط بالادست و پایین‌دست آبراه و نیز ارتباط بین آبراه و دشت سیلابی‌تر تحت عنوان مفهوم یکپارچگی آبراه بیان می‌شود.^۶ به عبارت دیگر، یکپارچگی آبراه بدین معناست که تغییرات طبیعی در نظام جریان، کیفیت آب و گونه‌های زیستی رودخانه و دشت سیلابی از هم مستقل نبوده و به یکدیگر مرتبط هستند. مواد مغذی و رسوبات به‌وجودآمده در بالادست، باعث رشد گیاهان و افزایش بهره‌وری زیستی در پایین‌دست می‌شوند. طغیان منظم دشت‌های سیلابی باعث بالارفتن تجزیه مواد آلی و چرخه غذایی شده و در نتیجه منجر به تکامل راهبردهای تطبیقی در گونه‌های زیستی می‌شود که شدیداً تابع نظام سیلابی است. در برخی مکان‌ها، مواد مغذی از طریق ماهی‌های مهاجر نظیر سالمون دوباره به بالادست باز می‌شود. پس از تخم‌ریزی و مرگ ماهی مادر، لاشه حیوان با جریان آبراه به پایین‌دست منتقل شده و با تجزیه آن، مواد مغذی آزاد می‌شود. این آزادسازی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر تولید اولیه و ثانویه (به‌عنوان نمونه تأثیر بر فیتوپلانکتون و زوپلانکتون) دارد. در برخی آبراه‌های شمالی آمریکا، تولید اولیه و فعالیت‌های باکتریایی در زمان تجزیه اجساد به بالاترین حد خود می‌رسد؛ حتی اگر تخم‌ریزی ماهی‌ها در زمستان اتفاق بیفتد.^۷ احداث سد، منجر

6. Vannote, R. L., Minshall, G. W., Cummins, K. W., Sedle, J. R. & Cushman, C. E., "The River Continuum Concept," *Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Science*, vol. 37, 1980, pp. 130-137.

7. Helfman, G. S., Collette, B. B. & Facey, D. E., *The Diversity of Fishes: Biology, Evolution, and Ecology*, Blackwell Science, Massachusetts, 1997.

به چندپارگی آبراه می‌شود.^۸

آبگیری سد، منجر به اثرات بی‌شماری بر فرایندهای طبیعی آبراه شده و در نهایت باعث تغییر ساختار بوم‌شناختی زیست‌بوم‌ها می‌شود. برخی از این اثرات، اثر مستقیم شناخته شده‌اند که گاهی تا چند صد کیلومتر در پایین‌دست نیز قابل مشاهده است. از طرف مقابل، آثار ثانویه این چندپارگی، آثار غیرمستقیم شناخته می‌شوند.

به‌طور کلی اثرات زیست‌محیطی و پایداری سدهای بزرگ عبارت‌اند از:

از بین رفتن جنگل‌ها و زیستگاه‌های جانوری و گونه‌های گیاهی و خراب شدن حوضچه‌های آبریزی
انتشار گازهای گلخانه‌ای از مخازن به علت فاسدشدن پوشش گیاهی و جریان کربن از حوضچه
کاهش تنوع آبریان در بالادست و پایین‌دست سدها؛

آثار تجمعی بر روی کیفیت آب، سیلاب، و ترکیب گونه‌ها در رودخانه‌هایی که بر روی آن‌ها

چندین سد احداث شده است.^۹

۲. حقوق آبراه‌های بین‌المللی

هرچند که این مقاله اصول و تعهدات زیست‌محیطی را بررسی می‌کند، از آنجا که بحث محوری، استفاده غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی است، ابتدا این حقوق به‌طور مختصر بیان می‌شود.

یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که در سال‌های اخیر توسعه زیادی پیدا کرده است، حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی است. در واقع، مدیریت و حفاظت محیط‌زیست آبراه‌های بین‌المللی یکی از دغدغه‌های مهم بین‌المللی اعم از منطقه‌ای و جهانی بوده است. تدوین بسیاری از مقررات و معاهدات بین‌المللی در این خصوص، نشان‌دهنده گرایش جامعه جهانی به یافتن راهکاری برای حل مسائل مربوط به منابع آبی، به‌ویژه بهره‌برداری از منابع آبی و حفاظت محیط‌زیست آن‌ها بوده است و این تلاش‌ها به تصویب کنوانسیون‌های متعددی در این باره از قبیل مقررات *هلسینکی ۱۹۶۶*^{۱۰}، کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری از دریاچه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی *هلسینکی ۱۹۹۲*^{۱۱} و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق استفاده از آبراه‌ها در مصارف غیرکشتی‌رانی *۱۹۹۷*^{۱۲} منجر شد که ابزاری برای حل مشکلات مربوط به آبراه‌ها به شمار می‌آید.

8. Ward, J. V. & Stanford, J. A., "Ecological Connectivity in Alluvial River Ecosystems and Its Disruption by Flow Regulation", *Regulated Rivers: Research & Management*, vol. 11(1), 1995, pp. 105-119, Available at: <http://www.d.umn.edu/~thrabik/Ward%20Stanford%20RegulatedRivers%201995.pdf>.

9. عوامی، اکرم؛ «سدها و توسعه: چارچوب جدید برای تصمیم‌گیری»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۶، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۵، ص ۲۱۲.

10. Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966.

11. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Helsinki, 1992.

12. Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

ترکیه از جمله کشورهایی است که به کنوانسیون استفاده غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی نپیوسته است. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۷ در نیویورک تصویب شده و تنها عهدنامه بین‌المللی الزام‌آور ناظر بر آبراه‌های بین‌المللی آب شیرین مشترک جهان است. هرچند دولت ترکیه به این عهدنامه نپیوسته، این سند به دلیل تدوین اصول و قواعد عرفی حقوق آبراه‌های بین‌المللی حائز اهمیت است.^{۱۳} بنابراین ضروری است تا تعهدات دولت ترکیه، ذیل این اصول و قواعد عرفی بررسی شود.

به‌طور کلی، مقررات حقوقی درج‌شده در این کنوانسیون به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی حقوقی و قواعد مربوط به حفظ و نگهداری و مدیریت آبراه‌های بین‌المللی.

الف. اصول کلی حقوقی

در این کنوانسیون، بسیاری از اصول حقوقی مطرح در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، از قبیل اصل «بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع»، اصل «ممنوعیت واردآوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» و اصل «همکاری بین‌المللی» تدوین شده است که به‌صورت اختصار، مفاد آن بررسی خواهد شد.

یکی از اصول مهم و اساسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست معاصر، اصل «بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع» است. ماده ۵ این کنوانسیون، کشورهایی را که از جریان‌های آب شیرین روزمینی و زیرزمینی مشترک برخوردارند به حفاظت، استفاده و تقسیم منصفانه و معقول از آن جریان آبی متعهد می‌کند.^{۱۴} ماده ۶ در راستای اعمال این اصل حقوقی، چند روش و راهکار ارائه می‌کند. بر اساس این ماده، دولت‌های ساحلی آبراه‌های بین‌المللی باید با رعایت ویژگی‌های طبیعی، نیازهای اقتصادی و اجتماعی و در نظر گرفتن تأثیرات استفاده‌های متفاوت از منابع مشترک با سایر کشورها از منابع زیست‌محیطی آبراه‌های بین‌المللی حفاظت کنند.^{۱۵} همچنین ماده ۷ هم دولت‌ها را به خودداری از وارد ساختن آسیب قابل توجه به کشورهای دیگر که از آن جریان آبی استفاده می‌کنند متعهد می‌سازد.^{۱۶} اصل خودداری از واردآوردن آسیب قابل توجه به کشورهای دیگر، یکی از اصول اولیه حقوق بین‌الملل است.^{۱۷}

بسیاری از حقوق‌دانان درباره رابطه میان این دو اصل (اصل خودداری از وارد ساختن آسیب

۱۳. شیرازبان، شیرین و عطیه خطیبی؛ «حقوق بهره‌برداری غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، *پایداری، توسعه و محیط‌زیست*، دوره دوم، شماره ۴، ۱۳۹۴، ص ۷۹.

14. Art. 5, *Ibid.*

15. Art. 7, *Ibid.*

16. Art. 7, *Ibid.*

17. P. M. Dupuy, *Les grands textes de droit international public*, 2^e éd., Dalloz, Paris, 2000, p. 630.

قابل توجه به کشورهای دیگر و اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع) اظهارنظرهای متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی برآن‌اند که اصل «بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع»، یک اصل حقوقی جدید است و به صورت مستقل، قابلیت اعمال و اجرا دارد و در کنار آن، اصل «ممنوعیت واردآوردن خسارت قابل توجه بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر»، یک اصل سنتی در حقوق بین‌الملل است و رابطه‌ای میان این دو اصل وجود ندارد. در مقابل، عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان از جمله کافلیش^{۱۸} معتقدند که اصل «استفاده معقول و منصفانه از منابع»، شکل تکامل یافته اصل «ممنوعیت واردآوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» است. بنابراین تعارض یا دوگانگی میان این دو اصل وجود ندارد.^{۱۹}

به نظر می‌رسد نظریه دوم با واقعیت حقوقی محیط‌زیست سازگارتر باشد زیرا وارد نکردن خسارت به سرزمین دولت دیگر، مرهون استفاده معقول و منصفانه از منابع مشترک است. بدین معنی اگر دولتی از منابع معدنی و زیست‌محیطی خود به نحو معقول و منصفانه بهره‌برداری کند، بالتبع اصل دوم نیز تحقق می‌یابد.

اصل مهم دیگر که در کنوانسیون نیویورک مطرح می‌شود، اصل «همکاری بین‌المللی» است. این اصل اساساً با رعایت برابری حاکمیت میان دولت‌ها، تمامیت ارضی و بهره‌برداری متقابل از ظرفیت‌های موجود در دولت‌های ساحلی آبراه بین‌المللی مشترک صورت می‌گیرد.^{۲۰} برای تحقق این اصل در یک فضای مشترک، تبادل اطلاعات و داده‌ها درباره وضعیت آب‌وهوایی، آب‌شناسی و زیست‌محیطی آبراه‌های بین‌المللی مشترک، نقش مهم و اساسی دارد.^{۲۱} ماده ۱۲ نیز به اصل اطلاع‌رسانی قبلی می‌پردازد که به موجب آن اگر دولتی بخواهد طرح‌های جدیدی را در رودخانه به اجرا بگذارد یا تغییراتی در آن ایجاد کند باید قبلاً با سایر دولت‌های ساحلی مذاکره کرده و موافقت آن‌ها را جلب نماید.^{۲۲} این کنوانسیون به اصول مهم حقوقی مطرح در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به استثنای اصل «احتیاط» اشاره مستقیم دارد. البته لازم به ذکر است هرچند در کنوانسیون به اصل احتیاط اشاره نشده است، این اصل در بسیاری از معاهدات زیست‌محیطی بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته و در مبحث مختص به خود، بررسی خواهد شد.

ب. قواعد مربوط به حفظ، نگهداری و مدیریت آب‌های بین‌المللی

مطابق ماده اول کنوانسیون، قلمرو اجرایی آن عبارت از استفاده‌های غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های

18. L. Caflisch.

19. L. Caflisch, "La Convention du 21 mai 1997 sur l'utilisation des cours d'eau internationaux à des fins autres que la navigation", *Annuaire Français de Droit International*, 1997, p.757.

20. Art. 8, *Ibid.*

21. Art. 9 & 11.

22. Art. 12, *Ibid.*

بین‌المللی از قبیل حفاظت، نگهداری و مدیریت است.^{۲۳} بنابراین هدف اصلی کنوانسیون مذکور، حفاظت زیست‌محیطی دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی است. علاوه بر آن، استفاده‌های غیرکشتریانی، شامل بهره‌برداری‌های صنعتی، کشاورزی، ماهیگیری و استخراج از منابع معدنی می‌شود که به گونه‌ای با مسائل زیست‌محیطی آن در ارتباط است.

مسائل مربوط به حفاظت زیست‌محیطی از آبراه‌های بین‌المللی در مواد ۲۰ تا ۲۶ این کنوانسیون مطرح شده است. به‌طور نمونه، در ماده ۲۱ آلودگی آبراه بین‌المللی شامل هرگونه تغییرات خسارت‌آور به ترکیب یا کیفیت آب‌های واقع در آبراه بین‌المللی می‌شود که ناشی از فعالیت‌های انسانی مستقیم یا غیرمستقیم باشد. از این‌رو دولت‌ها موظف‌اند از پدیدآوردن هرگونه آلودگی در آبراه‌های بین‌المللی خودداری کنند.^{۲۴} همچنین ماده ۲۳ مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید از آبریان واقع در آب‌های بین‌المللی حفاظت و نگهداری کنند.^{۲۵}

مبانی نظری مواد ۲۲ و ۲۳ کنوانسیون بر اساس اصل حقوقی «ممنوعیت واردآوردن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر» بنا شده است. بر همین اساس است که ماده ۲۲ دولت‌های ساحلی را ملزم می‌کند که پیش‌بینی‌ها و پیشگیری‌های لازم را در جهت حفاظت از منابع مشترک آبی به انجام رسانند تا موجب ضرر و زیان به دیگر کشورها نشوند.^{۲۶} به‌طور دقیق و صریح‌تر، ماده ۲۳ اساساً به مسئله حفاظت و نگهداری از آبریان واقع در آبراه‌های بین‌المللی اختصاص پیدا کرده است. در این چارچوب، وظیفه کلی دولت‌ها در حفاظت از آبریان و جانداران دریایی به‌عنوان الزام حقوقی در حقوق بین‌الملل نوین مورد توجه قرار گرفته است. در راستای همین منطق حقوقی، ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ تصریح می‌کند که دولت‌ها باید از آبریان و جانداران دریایی حفاظت کنند.^{۲۷}

یکی دیگر از نوآوری‌های حقوقی کنوانسیون مزبور را می‌توان در ماده ۲۴ مشاهده کرد. در این ماده، بر بهره‌برداری و استفاده «معقول و منصفانه» از آبراه‌های بین‌المللی به‌عنوان روشی برتر در حفاظت زیست‌محیطی از این منابع تأکید شده است. دولت‌ها نه‌تنها الزام حقوقی در عدم استفاده زیان‌آور از منابع مشترک آبی دارند، بلکه ملزم‌اند تا از منابع آبی خودشان به نحو «معقول و منصفانه» بهره‌برداری کنند.^{۲۸}

لازم به ذکر است که قلمرو اصلی این کنوانسیون، بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی و آب‌های آن‌ها برای مقاصد غیرکشتریانی است. بدیهی است که استفاده از این آبراه‌ها برای مقاصد

23. Art. 1, *Ibid.*

24. Art. 21, *Ibid.*

25. Art. 23, *Ibid.*

26. Art. 22, *Ibid.*

27. Art. 192, United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.

28. Art. 24, Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

کشتی‌رانی در قلمرو این کنوانسیون نیست. در همین راستا ماده ۱۰ بیان می‌دارد که در صورت نبود قرارداد یا وجود عرفی برخلاف قرارداد، هیچ نوع بهره‌برداری از آبراه بین‌المللی بر بهره‌برداری دیگر از آن آبراه تقدم ندارد. در صورت وجود تضاد میان بهره‌برداری‌های محتمل از آبراه بین‌المللی، این دوگانگی با عنایت به مواد ۵ تا ۷ این کنوانسیون و با توجه خاصی که به شرایط نیازهای اساسی و حیاتی بشر معطوف می‌شود، حل‌وفصل خواهد شد.^{۲۹}

همان گونه که بیان شد، کنوانسیون مزبور حاوی اصول و قواعد عرفی است. هرگاه سندی حامل مقررات عرفی باشد، دولت‌های غیرعضو نیز ملزم به رعایت مفاد آن سند هستند. باید تأکید کرد که دولت ترکیه ملزم به رعایت اصول و قواعد مندرج در این کنوانسیون است. در این قسمت با توجه به اینکه تکیه اصلی بحث بر نحوه استفاده از آبراه‌های بین‌المللی است و برای اجتناب از تکرار، صرفاً مبحث بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی به‌طور مختصر بررسی می‌شود و سایر اصول مطرح در این کنوانسیون، ذیل قسمت «اصول زیست‌محیطی نقض شده توسط ترکیه» بررسی می‌شوند.

۲-۱. نظریه‌های حقوقی در زمینه بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی

در خصوص بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی چهار نظریه موجود است که به‌طور مختصر بحث می‌شوند.

الف. نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق

این نظریه که به دکتربین هارمون نیز معروف است در حمایت از دولت بالادست آبراهه بین‌المللی مؤثر است. به‌موجب این نظریه، آن قسمت از آبراه‌های بین‌المللی که در سرزمین هر کشور جریان دارد جزء آب‌های داخلی آن کشور در نظر گرفته شده و هر کشور می‌تواند از این منبع آبی به هر صورتی که ضروری می‌داند بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن استفاده کند.^{۳۰} به دلیل منافی که این دکتربین برای کشورهای بالادست آبراه‌های مشترک دارد، بدیهی است که آن‌ها در تنش‌ها و اختلافات آبی به این نظریه استناد می‌کنند. از آنجا که این دکتربین برخلاف عدالت و انصاف بوده، حقوق‌دانان اندکی از آن حمایت کردند.^{۳۱}

همچنین این نظریه نه در رویه‌های بین‌المللی به‌کار برده شده و نه توسط رویه‌های قضایی

29. Art. 10, *Ibid.*

30. McCaffrey, Stephen C., "The Harmon Doctrine One Hundred Years Later: Buried, Not Praised", 36 *Nat. Resources J.*, vol. 3, 1996, p.549.

31. J. Austin, "Canadian - United States Practice and Theory Respecting the International Law of International Rivers: A Study of the History and the Influence of the Harmon Doctrine", *Canadian Bar Review*, 1959, vol. 31, p.393.

تأیید شده است. علاوه بر این، چند تصمیم حقوقی یا داوری بین‌المللی از این نظریه انتقاد کرده‌اند؛ چنانچه هم در احکام داوری در رابطه با قضیه دریاچه لانو^{۳۲} و قضیه تریل/اسملتر^{۳۳} و هم در حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد کانال کورفور^{۳۴} این موضوع به‌وضوح دیده شده است. این نظریه با نیازهای مدرن که وابستگی متقابل دارند و همکاری‌های بین‌دولت‌ها در جهان معاصر که به‌خاطر کمبود آب و شدت مشکلات زیست‌محیطی است سازگار نیست.^{۳۵}

ب. نظریه تمامیت مطلق سرزمینی

بر اساس این نظریه، کشورهای ساحلی رودخانه‌ها نمی‌توانند در وضع طبیعی کشور خود، تغییرات جدی ایجاد کنند، به‌طوری که سبب تغییرات و اثرات منفی مهمی در سایر کشورها شود زیرا این تغییرات بر تمامیت ارضی کشورهای پایین‌دست اثر خواهد گذاشت و در واقع در چارچوب این نظریه، کشورهای پایین‌دست حق دارند جریان طبیعی آب را از لحاظ سرعت و کیفیت، از کشورهای بالادست تقاضا کنند.^{۳۶} این نظریه در تضاد کامل با نظریه دکترین هارمون است چرا که نیازمند توافق قبلی کشورهای پایین‌دست برای هرگونه تغییر در رژیم آبراهه بین‌المللی است. اگرچه این اصل مانند دکترین هارمون بر پایه اصل حاکمیت استوار است، به نظر می‌رسد که بر پایه اصل برابری دولت‌ها نیز استوار باشد. بنابراین می‌توان آن را سازگارتر با اصل تساوی حاکمیت مندرج در ماده ۲، بند ۱ منشور سازمان ملل متحد در نظر گرفت. همچنین می‌توان این نظریه را به نوعی بیشتر با دیگر اصول حقوق بین‌الملل مربوط به استفاده و با تعهد عام کشورها در این زمینه مطابق دانست.^{۳۷}

با وجود این، نظریه تمامیت سرزمینی مطلق، ناعادلانه است زیرا دولت پایین‌دست، مدعی حق جریان کاملی از آب است و می‌تواند با وتوی خود، هرگونه اقدام دولت بالادست خود را که می‌تواند در میزان و کیفیت آب نقش داشته باشد، مختل کند. «اگر دولت پایین‌دست، استفاده بهینه‌ای از آب نداشته باشد، این عمل مسلماً منجر به ائتلاف این نوع از منابع است».^{۳۸} به‌علاوه، این عمل نامعقول و بی‌معنی خواهد بود.

32. Lake Lanoux Arbitration, (*France v. Spain*), 1957.

33. Reports of International Arbitral Awards, Trail Smelter Case, (*United States v. Canada*) 1938-1941, pp. 1905-1982, Available at: http://legal.un.org/riaa/cases/vol_III/1905-1982.pdf.

34. Corfu Channel case, (*United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania*), 1949.

۳۵. موسوی، سیدفضل‌الله؛ حقوق رودخانه‌های بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰.

۳۶. پیشین، ص ۱۳۳.

۳۷. شیرازیان و خطیبی؛ همان، ص ۷۷.

38. McIntyre, Owen, "Environmental Protection of International Watercourses under International Law", *Ashgate Burlington, USA*, 2007, p. 18.

ج. نظریه حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی

نظریات حاکمیت و تمامیت مطلق سرزمینی، در عمل، غیرقابل‌اعمال هستند و ممکن است منجر به مذاکرات طولانی میان کلیه دول همجوار آبراه‌های بین‌المللی اعم از بالادست و پایین‌دست شوند. برخلاف آن، نظریه تمامیت محدود سرزمینی، مبتنی بر این فرض است که هر کشور ساحلی حق استفاده و بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خود را دارد به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت‌ها و کشورهای دیگر نشود. در این مورد، حاکمیت بر منابع مشترک آب، نسبی و مشروط است.^{۳۹}

کلیه دول همجوار نسبت به بهره‌برداری از آب آبراه‌های مشترک، تکالیف و حقوق متقابلی دارند. این اصل بر این ایده استوار است که آبراه‌های بین‌المللی منابع مشترکی هستند که توسط آن‌ها «اجتماع منافع مشترک» بین تمام دول ساحلی شکل می‌گیرد. وجود اجتماع منافع مشترک نیازمند تعادل «معقول و منصفانه» منافع دولت است که پاسخگوی نیازها و استفاده هر یک از آن‌هاست.

نظریه تمامیت محدوده سرزمینی در حیطة حقوق بین‌الملل کاملاً پذیرفته شده است. از جمله رأی دیوان دائمی دادگستری در سال ۱۹۲۹ درباره صلاحیت سرزمینی کمیسیون/در تأیید کرد که «دولت‌ها از حق قانونی و مشترکی نسبت به منابع موجود در رودخانه‌های مشترک برخوردارند که محدود به حق عبور نمی‌شود. اساسی‌ترین ویژگی حق مذکور، اجتماع منافع کلیه طرفین نسبت به بهره‌برداری از رودخانه/در و ممنوعیت امتیاز تبعیض‌آمیز هر یک از دول همجوار در مقایسه با دیگران است».^{۴۰}

همچنین اصل مشابهی در رأی دیوان دادگستری درباره قضیه رودخانه میوز (بین بلژیک و هلند) و در رأی هیئت داوری در قضیه دلتای رودخانه هلمند اعلام شد^{۴۱} و در نهایت، در رأی مربوط به اختلاف میان فرانسه و اسپانیا در رابطه با بهره‌برداری از آب‌های دریاچه لانو در سال ۱۹۵۷ بر اصل مهم حمایت از منافع کلیه دول همجوار تأکید شد.^{۴۲}

۳۹. حق‌شناس، نیلوفر و اصغر جعفری ولدانی؛ «طرح تغییر مسیر اروندرود و حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۶۹، ص ۲۴۸.

۴۰. Soboka Bulto, Takele, "Between Ambivalence and Necessity Occlusions on the Path towards a Basin Wide Treaty in the Nile Basin", *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy*, vol. 20, 2009, pp. 3-303.

۴۱. لووت و لوان اسمیت و سرفردریک جان گلدسمید؛ رأی هیئت داوری ۱۹ اوت ۱۸۷۳ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۵، متن آرای مندرج در سنت جان، پاریس شرقی: روایتی از سفرهای کمیسیون مرزی پاریس، لندن، جلد اول، ۱۸۷۶، ص ۴۱۳.

۴۲. Lake Lanoux Arbitration, (*France v. Spain*), 1957.

د. نظریه منابع مشترک یا مدیریت مشترک

برای ترویج تعادل «معقول و منصفانه» منافع دولت، روش چهارم مدیریت منابع آب شیرین بین‌المللی به نام نظریه منابع مشترک یا مدیریت مشترک ایجاد شد. این نه‌تنها به‌عنوان رویکرد جدید و متفاوت در مدیریت منابع آب در نظر گرفته شد، بلکه وسیله‌ای برای احیای مجدد اصل حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی شد و تکلیف صریحی بر مشارکت فعالانه در توسعه و بهره‌برداری منطقی از منابع مشترک آب مقرر کرد.

این نظریه بر این اصل استوار است که کلیه کشورهای ساحلی آبراهه بین‌المللی نسبت به آن رودخانه حق حاکمیت مشترک دارند و رودخانه بین‌المللی، واحد اقتصادی محسوب می‌شود که منابع آن متعلق به تمام کشورهای ساحلی است. همراه با آن، برای تدوین و اجرایی کردن سیاست‌های مشترک مدیریتی، حفاظتی و توسعه حوضچه آبریز، سازوکار بین‌المللی ایجاد می‌شود. این مدیریت مشترک که می‌تواند توسط معاهده ایجاد شود می‌تواند باعث تقویت وضعیت هنجاری حقوق بین‌الملل عرفی یا عمومی و قوانین مختلف دربردارنده تعهد به همکاری شود. انعقاد چنین معاهده‌ای نیازمند توافق داوطلبانه کشورهای ساحلی در این زمینه است. نبود این میل ممکن است به دلایل مختلفی در هر حوضچه آبریز باشد، مانند محدودیت‌های قانونی، علل سیاسی و اقتصادی که عدم قطعیت در توسعه و اجرایی کردن این اصل را به همراه خواهد داشت.

بنابراین اصل مدیریت مشترک، بیشتر رویکرد مدیریتی مشکلات و مسائل آب است تا اصل هنجاری حقوق بین‌المللی. این اصل مورد تأیید جامعه بین‌الملل و سازمان‌های تدوین‌کننده حقوق بین‌الملل در این زمینه، مانند مؤسسه حقوق بین‌الملل و کمیسیون حقوق بین‌الملل است، به طوری که کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمان تدوین کنوانسیون سازمان ملل متحد، مربوط به حقوق بهره‌برداری‌های غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی سال ۱۹۹۷، در بند ۲ ماده ۵، دول ساحلی آبراه‌های بین‌المللی را فعالانه تشویق به انجام «مشارکت منصفانه»^{۴۳} کرده است که ارتباط نزدیکی با اجرای اصل استفاده منصفانه دارد. ماده ۲۴ این کنوانسیون برای اجرایی کردن آن، ماهیت و محدوده نقش بالقوه‌ای را که توسط سازوکارهای مشترک صورت می‌پذیرد نشان می‌دهد.^{۴۴} در ادامه به توضیح بیشتر این اصل پرداخته خواهد شد.^{۴۵}

۲-۲. اصل بهره‌برداری منصفانه از آبراه‌های بین‌المللی

اصولاً در آبراه‌های مرزی و مجاور دو یا چند کشور، ممکن است ایجاد تأسیسات فنی یا اقتصادی

43. Art. 5(2), Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

44. Art. 24, *Ibid.*

45. McCaffrey, Stephen C., 2007, *The Law of International Watercourses*, Oxford University Press Inc., 2nd ed., pp. 99-100.

از سوی کشور همسایه، برای کشور همسایه دیگر زیان‌هایی داشته باشد. در چنین حالتی احتمال دارد اصل بهره‌برداری منصفانه، اجازه بیشترین و مفیدترین شکل توسعه آبراه را محدود کند. همچنین توسعه و استفاده هم‌زمان ممکن است منجر به اتلاف منابع و عدم بهره‌برداری مناسب اقتصادی شود. برای حل این مسئله، دو راهکار وجود دارد: نخست، مجزاعمل کردن هر یک از کشورها در بهره‌برداری از آبراه مرزی و دوم، بهره‌برداری با تلاش‌های مشترک کشورهای مجاور به منظور انجام بهترین توسعه حوزه آبراه برای منافع مشترک آن‌ها، فارغ از مرزهای کشورهای مربوط.^{۴۶}

بر اساس این اصل، هدف، بهره‌برداری عادلانه و مدیریت مشترک آب‌هاست. در همین زمینه دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌دارد که از یک سو برای تحقق و دستیابی به استفاده‌های معقول و مناسب باید تعادل بین حق دو طرف در استفاده معقول از آبراه برای مقاصد اقتصادی و تجاری به وجود آورد و از سوی دیگر، تعهد به حفاظت در قبال خسارات زیست‌محیطی از این فعالیت‌ها حاصل شود.

دیوان در حکم قضیه گابچیکوو-ناگیماروس،^{۴۷} به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ در خصوص منابع طبیعی مشترک می‌افزاید اگر استفاده، منافع طرف دیگر در خصوص منافع مشترک و حفاظت محیط‌زیست را در برگیرد، منصفانه و معقول تلقی می‌شود. همچنین دیوان این ارتباط را تفسیری از محتوای توسعه پایدار می‌داند که در راستای آن قرار می‌گیرد.^{۴۸} در همین خصوص، دیوان در حکم خود با طرح انحراف یک‌جانبه رودخانه توسط چکسلواکی (اسلواکی)، با توجه به اصل استفاده منصفانه و معقول، با اذعان عمل غیرقانونی اسلواکی، آن را «کنترل یک‌جانبه منبع مشترک و در نتیجه، محرومیت مجارستان از حق خود از سهم منصفانه و معقول از منابع طبیعی دانوب دانسته است».^{۴۹}

کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک با هدف اطمینان‌یافتن از نوع بهره‌برداری، توسعه، حفاظت، مدیریت و نگهداری از آبراه‌های بین‌المللی و تشویق بهره‌برداری پایدار و بهینه در جهت نگهداری از منابع آبی برای نسل‌های حاضر و آینده ایجاد شده و مشابه با مقررات هلسینکی، اصول همکاری و مذاکره با قصد واقعی جهت تحصیل به توافق و استفاده منصفانه و معقول از منابع آبی بین‌المللی را به رسمیت شناخته است. ماده ۵ کنوانسیون، کشورها را به استفاده منصفانه و معقول از منابع آبی مشترک متعهد می‌کند.^{۵۰}

۴۶. موسوی؛ همان، صص ۱۳۶-۱۳۵.

47. Gabcikovo Nagymaros

48. ICJ, 2010, *op. cit.*, pp. 73-75, paras. 173-177.

49. ICJ, Gabcikovo-Nagymaros Case, General List No. 92, 25 September 1997, para. 150, p. 69.

50. Salman M. A. Salman, "Entry into Force of the UN Watercourses Convention: Why Should It Matter?", *International Journal of Water Resources Development*, vol. 31, 2015, pp. 4-16.

در نتیجه با توجه به اصل استفاده منصفانه و معقول، در مورد سدسازی‌های دولت ترکیه می‌توان گفت کشورهای آبراهی در بهره‌برداری از آبراه مشترک هر کدام حقوقی دارند؛ لذا تردیدی نیست که این حقوق، آزادی عمل دولت ترکیه را محدود می‌کند. همان طور که بیان شد، استفاده‌ای منصفانه و معقول تلقی می‌شود که منافع طرف دیگر را در خصوص منافع مشترک و حفاظت محیط‌زیست در برگیرد. بنابراین دولت ترکیه می‌تواند تأسیساتی را روی آبراه مشترک بنا کند مشروط بر اینکه منافع مشترک سایر کشورهای آبراهی و حفاظت از محیط‌زیست را رعایت کند زیرا استفاده از آبراه تا زمانی که به سایر کشورهای آبراهی زیان وارد نکند، معقول و منصفانه است.

۳. اصول زیست‌محیطی نقض‌شده توسط ترکیه

دولت ترکیه با اجرای پروژه گاپ، اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را نقض کرده است که در این قسمت به اختصار بررسی می‌شود:

۳-۱. اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین

یکی از پایه‌های اساسی قوانین بین‌المللی آب، تعهد به عدم ورود خسارت به سایر کشورهاست. این بدان معنی است که فعالیت‌های مرتبط با آبراه‌های بین‌المللی منجر به آسیب‌رساندن به کشورهای حوضچه‌های آبریز نشود.^{۵۱} ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک، به قاعده عدم ایجاد خسارت چشمگیر و دیرپا به دیگر دول اشاره دارد.^{۵۲}

ممنوعیت استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، ریشه در قاعده عرفی و قدیمی حقوق بین‌الملل مبنی بر ممنوعیت آسیب و ورود ضرر به دیگری^{۵۳} دارد. در ادبیات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز در قضیه کارخانه تریل^{۵۴} (تریل/اسملتر) مسئولیت دولت در زمینه آلودگی هوای مرز گذر برای نخستین بار شناسایی شد. همچنین دیوان به این اصل در حکم خود در سال ۲۰۱۰ در اختلاف کارخانه خمیر کاغذ مجاور رودخانه اروگوئه که میان آرژانتین و اروگوئه بود اشاره کرد. دیوان اعلام کرد که «باید بین حقوق و نیازهای طرفین در مورد استفاده از این رودخانه برای اهداف اقتصادی و تجاری و تعهد به حفاظت آن از هر آسیب زیست‌محیطی که می‌تواند از چنین فعالیتی منتج شود، تعادل برقرار کرد».^{۵۵}

51. Kirschner, Adele J. & Tiroch Katrin, "The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective", *Max Planck Yearbook of United Nation Law*, vol. 16, 2012, p. 356.

52. Art. 7, Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

53. Sic utere tuo alienum non laedas (حق خود را چنان اعمال کن که سبب اضرار به غیر نشود)

54. Trail Smelter

55. ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay, (*Argentina v. Uruguay*), 10 April 2010.

به موجب این اصل قدیمی و سنتی حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مکلف‌اند سرزمین خود را برای اهدافی به کار نگیرند که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد. اصل بیست‌ویکم اعلامیه/ستکهلم نیز بیان می‌دارد که «دولت‌ها بر طبق منشور سازمان ملل و اصول قوانین بین‌المللی دارای حقوق حاکمیت از نظر استخراج منابع خود، مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی خود هستند و مسئولیت تضمین یا کنترل فعالیت‌های داخل قلمرو خود را به نحوی که صدمه‌ای به محیط‌زیست کشورها یا مناطق ماورای قلمرو آن‌ها وارد نکند، به عهده دارند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اعلامیه بلافاصله بعد از اذعان به حقوق حاکمیت دولت‌ها، مسئولیت آن‌ها را در زمینه عدم ورود آسیب به محیط‌زیست متذکر می‌شود.^{۵۶} در اجرای پروژه گاپ برای نمونه، پدیده ریزگردها مثال بارزی از استفاده زیان‌بار از سرزمین است که در اثر سدسازی غیراصولی ترکیه وارد کشورهای همسایه به‌ویژه ایران شده است؛^{۵۷} لذا بدو در پرتو این اصل می‌توان گفت برای کشور ترکیه، انجام اقدامات تشدیدکننده گردوغبار نظیر تخریب تالاب‌ها و جنگل‌ها، به گونه‌ای که منجر به ورود خسارت به کشورهای دیگر شود ممنوع است.^{۵۸}

۲-۳. اصل توسعه پایدار

در اجرای پروژه گاپ، کشاورزی صنعتی و بهره‌برداری بی‌رویه از زمین و آب صورت می‌گیرد که منطبق با توسعه پایدار نیست و نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع مردم محلی و اقتصاد ملی در درازمدت باشد. بنابراین، توسعه پایدار در سیاست‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی نه‌تنها برای مردم ترکیه، بلکه برای کشورهای تحت تأثیر این طرح دیده نمی‌شود.^{۵۹}

در حقوق آبراه‌های بین‌المللی، دو معاهده اصلی یعنی کنوانسیون آبراه سازمان ملل و کنوانسیون آبراه کمیسیون اقتصادی اروپا هر دو به مفهوم توسعه پایدار اشاره کرده‌اند. بخش سوم از بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون هلسنکی ۱۹۹۲ بیان می‌دارد که اقدامات کشورها برای جلوگیری، کنترل و

56. Principle 1, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration, 1972).

57. سدسازی‌های ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات اثرات زیست‌محیطی چشمگیری بر زیست‌بوم مسیر این رودخانه‌ها در کشور عراق به جا گذاشته که با گذشت زمان رو به وخامت می‌گذارد. مردم ایران نیز به‌ویژه در استان‌های غرب و جنوب با طغیان ریزگردهای برخاسته از تالاب‌های خشک‌شده در جنوب عراق، اثر سدسازی‌های ترکیه را در بالادست دجله و فرات تحمل می‌کنند. ن.ک: محمدی؛ همان، ص ۷۸.

58. منشأ افزایش ریزگردها در هوا گوناگون بوده و ممکن است منشأ طبیعی یا مصنوعی داشته باشند. ن.ک: دج، اسپیدینگ؛ آلودگی هوا، ترجمه: منصور کیان‌پور راد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۲۲. فعالیت‌های انسانی نظیر کشاورزی تا فوران آتشفشان، کویرزایی، طوفان و نظایر آن را شامل می‌شود. ن.ک: دانیل بوتکین؛ شناخت محیط‌زیست، ترجمه: عبدالحسن وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲، ص ۴۶۳.

59. محمدی؛ همان، ص ۸۰.

کاهش هرگونه اثرات فرامرزی باید با این اصل همراه باشد که منابع آبی به گونه‌ای مدیریت شوند تا نیازهای نسل حاضر بدون به‌مخاطره‌انداختن توانایی‌های نسل آینده برای تأمین نیازهایشان برآورده شود.^{۶۰} از سوی دیگر، یکی از اهداف کنوانسیون آبراه‌های نیویورک ۱۹۹۷ ترغیب به استفاده استفاده پایدار و بهینه از منابع برای نسل حاضر و آینده است. بنابراین در اینجا مشخص می‌شود که هر دو کنوانسیون به دنبال محقق‌شدن جایگاه اصل عدالت بین‌نسلی و عدالت درون‌نسلی از مبانی اصلی توسعه پایدار هستند. بخش اول بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ تنها ماده‌ای است که در بیان مدیریت، به برنامه‌ریزی توسعه پایدار آبراه‌های بین‌المللی اشاره می‌کند و به‌طور کاملاً واضح از اصطلاح توسعه پایدار استفاده می‌کند.^{۶۱} هر دو کنوانسیون آبراه هلسینکی و کنوانسیون آبراه نیویورک به مسائل زیست‌محیطی در پیش‌بینی‌های خود توجه کرده‌اند.

کنوانسیون نیویورک با توجه به پیشنهادهای بیانیه ریو ۱۹۹۲^{۶۲} و دستور کار ۲۱^{۶۳} بیشتر از کنوانسیون هلسینکی به مسائل توسعه‌ای توجه کرده است و نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای ساحلی آبراه‌ها و جمعیت وابسته به آبراه‌ها را در نظر گرفته است. بنابراین مبانی توسعه پایدار از جمله حق بر توسعه و البته یکپارچگی حفاظت از محیط‌زیست و توسعه اقتصادی در زمینه آبراه‌ها نیز در تنظیم هر دو کنوانسیون سایه انداخته است. مهم‌ترین فرصت برای توسعه منافع اقتصادی همراه با حفظ محیط‌زیست آبراه‌ها در اصل استفاده منصفانه و معقولانه دیده می‌شود که یکی از اصول اساسی و پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل آبراه‌هاست.^{۶۴}

در همین راستا با توجه به گزارش برتندلند با عنوان «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ میلادی راجع به توسعه و محیط‌زیست توسعه پایدار عبارت است از: «توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب‌رساندن به توانایی نسل آینده برای فراهم‌کردن نیازهایشان برطرف کند».^{۶۵}

به‌طور معمول، این توافق وجود دارد که توسعه پایدار بر سه ستون پایداری بوم‌شناختی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی استوار است. عناصر توسعه پایدار در دستور کار ۲۱ و بیانیه ریو نیز بیان می‌شود. بر اساس اصل چهارم بیانیه ریو برای آنکه توسعه پایدار امکان‌پذیر شود، حفاظت از محیط‌زیست جزو جدایی‌ناپذیر روند توسعه خواهد بود و جدا از آن قابل بررسی نیست.^{۶۶} همچنین

60. Art. 2(5), Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Helsinki, 1992.

61. Art. 24(2), Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

62. The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

63. United Nations Conference on Environment & Development, Rio de Janeiro, Brazil, 3 to 14 June 1992, Agenda 21.

64. Fitzmaurice, M., Omg, D. M. Merkouris P., *Research Handbook on International Environmental Law*. Edward Elgar Publishing, USA, 2010.

65. Report of the World Commission on Environment and Development, General Assembly, Forty-Second, 4 August 1987, available at: <http://www.worldinbalance.net/pdf/1987-brundtland.pdf>. pp.1-374.

66. Principle 24, The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

اصل ۲۵ بیانیه مزبور بیان می‌کند: «صلح، توسعه و حفاظت از محیط‌زیست وابسته به یکدیگر و تفکیک‌ناپذیرند».^{۶۷}

پاراگراف ۶ مقدمه بیانیه کپنهاگ بر توسعه اجتماعی مقرر می‌دارد: «توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت زیست‌محیطی، لازم و ملزوم یکدیگرند و به‌طور متقابل، عناصر تقویت‌کننده توسعه پایدار هستند و در واقع، چارچوبی بر تلاش‌های ما برای دستیابی به کیفیت بالاتر از زندگی برای همه انسان‌ها هستند».^{۶۸}

پاراگراف ۵ بیانیه ژوهانسبورگ سال ۲۰۰۲ راجع به توسعه پایدار نیز در تأکید این تعهد بیان می‌دارد: «توسعه و تقویت تفکیک‌ناپذیری و تقویت متقابل ارکان توسعه پایدار (توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت زیست‌محیطی) در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مسئولیت جمعی دولت‌هاست».^{۶۹} همچنین یکی از تعهدات مندرج در سند توسعه هزاره^{۷۰} در سال ۲۰۰۲ نیز در رابطه با این اصل است. در بند ۷ این سند، یکی از اهداف هزاره، «تضمین پایداری زیست‌محیطی و گنجاندن اصل توسعه پایدار در سیاست و برنامه‌های کشورها» بیان شده است.^{۷۱} بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که یکپارچگی و تفکیک‌ناپذیری توسعه و محیط‌زیست، مبانی توسعه پایدار هستند و دولت‌ها متعهد به رعایت آن شده‌اند.

بدین ترتیب، دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ باید اصل توسعه پایدار را رعایت کند تا قادر به تأمین منافع مردم محلی و اقتصاد ملی در درازمدت باشد.

۳-۳. اصل انصاف بین نسل‌ها^{۷۲}

با کم‌شدن آب ورودی به خلیج فارس، غلظت نمک در خلیج فارس بالا می‌رود و بسیاری از آبزیان از جمله آبزی صنعتی میگو و بسیاری از انواع ماهیان صنعتی امکان ادامه حیات در آب‌های جنوبی ایران را نخواهند داشت، مانند دریای سرخ که غلظت نمک آن بالاست. نبود میگو و ماهیان صنعتی باعث بروز بیکاری صیادان ایرانی در جنوب و بروز مشکلات ناشی از بیکاری عمومی نظیر قاچاق می‌شود. بالا رفتن غلظت شوری خلیج فارس باعث نابودی سواحل مرجانی و زیست‌بوم این خلیج بزرگ و بارزش می‌شود.

67. Principle 25, *Ibid.*

68. Report of the World Summit for Social Development: Copenhagen, 6-12 March 1995. Available at: <http://daccess-ods.un.org/TMP/2498936.html>. pp. 1-237.

69. Johannesburg Declaration on Sustainable Development. 2002. Available at: bnpparibas.com/en/.../text/Johannesburg-Declaration.pdf. pp.1-5.

70. The Millennium Development Goal (MDGs)

71. UNEP.2002. Available at: www.unep.or/pdf/annualreport/UNEP_Annual_Report_2002.pdf. pp.1-61.

72. Inter-Generational Equity

ترکیه با ممانعت از ورود آب به پایین‌دست رودخانه‌های دجله و فرات، علاوه بر نقض قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه رودخانه‌های منطقه‌ای، به تخریب گسترده محیط‌زیست سوریه، عراق و ایران پرداخته است که مشکلاتی مانند نابودی محیط‌زیست منطقه و بیکاری را به دنبال دارد.^{۷۳} بنابراین در اجرای پروژه گابپ، اثرات بلندمدت فعالیت‌ها و پایداری منابع طبیعی و محیط‌زیست جهانی در رابطه با منافع نسل آینده در نظر گرفته نشده است و اجرای پروژه به نحوی است که به منافع نسل آینده از همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ذاتی تعرض شده است. از طرفی به‌موجب اصل انصاف بین نسل‌ها، «استفاده و بهره‌مندی از منابع زمین برای نسل حاضر، در عین حال که حق است، این تعهد را نیز به همراه دارد که نسل حاضر در اجرای چنین حقی باید اثرات بلندمدت فعالیت‌هایش و همچنین پایداری منابع طبیعی و محیط‌زیست جهانی را در رابطه با منافع نسل آینده در نظر گیرد. در این زمینه منافع به معنای منافع اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و منافع ذاتی است».^{۷۴}

برای نمونه، ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوایی بیان می‌کند: «اعضای کنوانسیون در فعالیت‌های خود برای دستیابی به اهداف کنوانسیون و اجرای مفاد آن از جمله توسط موارد زیر راهنمایی خواهند شد:

۱. اعضا باید از سامانه آب‌وهوایی به نفع نسل‌های فعلی و آینده بشر... حمایت کنند».^{۷۵}
- آخرین پاراگراف ماده ۲ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ بیان می‌دارد: «استفاده پایدار به معنی استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده تنوع زیستی است».^{۷۶} در ضمن اینکه پتانسیل آن را برای رفع نیازهای مادی و معنوی نسل حاضر و آینده حفظ کند».^{۷۷} در همین راستا اصل ۵ بیانیه ریو بیان می‌دارد: تمام دولت‌ها و ملت‌ها باید در ریشه‌کنی فقر به‌عنوان تکلیف اساسی و ضرورت مطلق در جهت توسعه پایدار از طریق کاهش فاحش بین استانداردهای زیستی و برآوردن هرچه بهتر نیاز اکثریت مردم جهان همکاری کنند».^{۷۸} همچنین در خصوص دیگر نمونه‌های تعهد مزبور می‌توان به پاراگراف ۶ بیانیه کپنهاگ که بر «توسعه اجتماعی منصفانه» و «عدالت اجتماعی» اشاره دارد^{۷۹} و نیز پاراگراف‌های ۶، ۱۱ و ۲۱ اهداف هزاره سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ در رابطه با

۷۳. محمدی؛ همان، ص ۸۱.

74. Training Manual on International Environmental Law, 2006, Available at: www.unep.org/DPDL/Law/PDF/Law_training_Mannual.pdf.

75. Article 3, United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992.

76. Article 2, Convention on Biological Diversity (CBD), 1992.

۷۷. مجنونیان، هنریک؛ راهبردهای معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده، سازمان حفاظت از محیط‌زیست، جلد دوم، ۱۳۷۷، ص ۶۴۹.

78. Principle 5, The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

79. Para. 6, Report of the World Summit for Social Development: Copenhagen, 6-12 March 1995.

ریشه‌کن کردن فقر اشاره کرد.^{۸۰}

۳-۴. اصل پیشگیری^{۸۱}

پروژه گاپ، کانون‌های فرسایش بادی و تولید گرد و خاک را در عراق افزایش می‌دهد. بدین ترتیب، کویرها و باتلاق‌های در حال خشک‌شدن عراق، منشأ تشدید انتشار ریزگردها به ایران است.^{۸۲} لذا انجام اقدامات پیشگیرانه جهت از بین بردن کانون خسارات زیست‌محیطی از ضروریات است. در این راستا اصل اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری یا به حداقل رساندن خسارات زیست‌محیطی که به قاعده طلایی معروف است از جنبه‌های زیست‌بوم‌شناختی و اقتصادی دارای اهمیت ویژه‌ای است.^{۸۳} زیرا جبران خسارت زیست‌محیطی، هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل بوم‌شناختی در اغلب موارد غیرممکن است. انقراض گونه‌های گیاهی و حیوانی، فرسایش، اثرات ورود مداوم آلوده‌کننده‌ها به دریا و ازدست‌رفتن حیات انسان، موقعیت‌های غیرقابل برگشت در محیط زیست است. حتی زمانی که خسارت جبران‌ناپذیر باشد، اغلب مراحل جبران خسارت، هزینه‌بر و گران است. اصل پیشگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل خطر و پس از آن، ارزیابی پیامدهای فعالیت‌های انجام‌شده است.^{۸۴}

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سد گابچیکوو-ناگیماروس، اصل پیشگیری را با توجه به ویژگی غیرقابل جبران تخریب و خسارات وارده بر محیط زیست بین‌المللی، اصلی اجباری قلمداد کرده است.^{۸۵}

دیوان در قضیه کارخانه خمیر کاغذ در صدد تأکید بر اصل پیشگیری و عرفی تلقی کردن این اصل برآمده است زیرا برای حمایت از اصل پیشگیری و تضمین آن، بر تعهد دولت‌ها در تصویب و اجرای قوانین ملی در راستای این اصل تأکید کرده است.^{۸۶}

این اصل را می‌توان در اسناد متفاوت کشتی‌رانی مشاهده کرد. برای نمونه، بیانیه ریو در اصول ۱۴ و ۱۷ به این اصل توجه کرده است. اصل ۱۴ بیان می‌دارد: «دولت‌ها باید در جلوگیری و منع

80. Paras. 6, 11 & 21, The Millennium Development Goals, 2002.

81. The Principle of Prevention

۸۲. محمدی، همان، ص ۸۰.

۸۳. الکساندر کیس، پیتر سند اچ، وینفراید لانگ؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، چاپ دوم، دانشگاه تهران، جلد اول، ۱۳۸۴، ص ۷۸.

۸۴. ذوالفقاری، حسن؛ مبانی محیط‌زیست، چاپ دوم، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷.

85. I.C.J., Judgment of Case Concerning the Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary-Oslovakia), 1997, para. 140.

86. ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay, Summary of the Judgment (Argentina v. Uruguay), 20 April 2010, para. 190.

انتقال و سرایت آثار فعالیت‌ها و موادی که سبب بروز تخریب‌های شدید کشتی‌رانی شده یا بهداشت مردم را به مخاطره می‌اندازد با سایر کشورها همکاری جدی به عمل آورند».^{۸۷}

در اصل ۱۷ می‌افزاید که ارزیابی پیامدهای کشتی‌رانی باید به‌عنوان ابزاری ملی درباره آن دسته از فعالیت‌هایی که ممکن است اثرات زیان‌بار جدی بر محیط‌زیست داشته باشند و اجرای آن‌ها منوط به تصمیم مقامات ذی‌صلاح ملی است پذیرفته شود».^{۸۸} همچنین ماده ۲۰۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بیان می‌دارد: «وقتی کشوری با دلایل منطقی اعتقاد دارد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده تحت صلاحیت یا کنترل وی ممکن است موجب آلودگی اساسی یا تغییرات مهم و مضر در محیط‌زیست دریا شوند باید تا حد امکان آثار بالقوه این‌گونه فعالیت‌ها بر محیط‌زیست دریا را ارزیابی و گزارش‌های به‌دست‌آمده از این ارزیابی‌ها را به نحو مقرر در ماده ۲۰۵ مبادله کند».^{۸۹}

بند ۸ ماده ۸ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲^{۹۰} و ماده ۲۲ کنوانسیون راجع به حقوق استفاده غیرکشتی‌رانی از آبراهه‌های بین‌المللی سال ۱۹۹۷ با پیش‌بینی تعهد منع ورود گونه‌های بیگانه به یک زیست‌بوم و آبراهه‌های بین‌المللی که موجب خسارات کشتی‌رانی به دیگر دولت‌ها می‌شود، اصل پیشگیری را برای اعضا مورد تأکید قرار داده‌اند.^{۹۱}

بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوایی بیان می‌دارد: «اعضای کنوانسیون می‌بایست اقدامات پیشگیرانه را برای پیش‌بینی، جلوگیری یا به‌حداقل رساندن علت‌های تغییرات آب‌وهوا و کاهش اثرات سوء آن به کار گیرند ...».^{۹۲} کنوانسیون حفاظت از لایه اُزون در ماده ۲ تعهد به انجام اقدامات لازم برای حفظ و سلامت انسان و محیط‌زیست را مطرح می‌کند.^{۹۳} در نهایت می‌توان گفت تعهد دولت‌ها به جلوگیری از ورود صدمات کشتی‌رانی، خواه در مورد آلودگی دریایی یا آب‌های داخلی، اتمسفر، خاک یا حمایت از حیات انسانی یا منابع زنده است.

۳-۵. اصل احتیاط^{۹۴}

در اجرای پروژه گاپ، خطرات جدی و جبران‌ناپذیری نظیر تغییر اقلیم و گرمایش زمین، آلودگی آب‌های زیرزمینی و روان‌آب‌ها، ایجاد رسوب نمک در خاک و شور کردن آب در درازمدت،

87. Principle 14, The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

88. Principle 17, *Ibid.*

89. Art. 206, United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.

90. Art. 8(8), Convention on Biological Diversity (CBD), United Nations, 1992.

91. Art. 22, Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

92. Art. 3(3), United Nations Framework Convention on Climate Change, 1992.

93. Art. 2, Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 1985.

94. Precautionary Principle

از میان رفتن گونه‌های بومی و تنوع زیستی منطقه، زیرآبرفتن روستاها، مراتع، باغ‌ها و کشتزارهای سنتی، محیط‌زیست را تهدید می‌کند.^{۹۵} البته شاید دولت ترکیه این بحث را مطرح کند که علت گردوغبار در ایران و عراق، ایجاد این سدها نیست و دلیل علمی کافی برای اثبات آن وجود ندارد. در اینجا ممکن است به اصل احتیاط متوسل شد که بر فرض شاید هنوز علت علمی قطعی در این زمینه وجود نداشته باشد ولی این دلیل نمی‌شود که اقدامی در این مورد صورت نگیرد. لذا دولت ترکیه باید اقداماتی را در این مورد انجام دهد.

اساس مفهوم اصل اقدامات احتیاطی در اصل ۱۵ بیانیه ریو ۱۹۹۲ منعکس شده است.^{۹۶} بر اساس این اصل، «دولت‌ها در جهت حفظ محیط‌زیست و در حد توان خود باید اقدامات احتیاطی وسیعی به عمل آورند. هنگامی که خطرات جدی یا جبران‌ناپذیری محیط‌زیست را تهدید می‌کند، تردید علمی نباید بهانه‌ای برای به‌تعویق‌افتادن اقدامات مؤثر و موجه از نظر اقتصادی در جهت پیشگیری از تخریب محیط‌زیست شود».^{۹۷}

اصل احتیاط در هر دو اختلاف کشتی‌رانی ارجاع شده به دیوان بین‌المللی دادگستری یعنی رأی گابچیکو - ناگیماروس و کارخانه خمیر کاغذ، در ادعاهای طرفین و در حکم نهایی مورد توجه بود.^{۹۸} این اصل در راستای اصل پیشگیری مطرح بوده و در صدد بیان تعهد پیشگیرانه است. پیامد پذیرش این اصل به‌عنوان قاعده حقوقی، جابه‌جایی بار اثبات دعواست؛ بدین معنی که در صورت هر گونه اقدام مشکوک در ارتباط با محیط‌زیست، اقدام‌کننده باید به هر طریقی اثبات کند که اقدام وی برای محیط‌زیست خطرناک نیست.^{۹۹}

لازم به ذکر است اصل مزبور از حقوق داخلی وارد حقوق بین‌الملل شده و اصل کلی بین‌المللی تلقی می‌شود. در واقع این همان نقطه افتراق این اصل و اصل عرفی پیشگیری است.^{۱۰۰} در بسیاری از معاهدات کشتی‌رانی بین‌المللی نیز بر اصل احتیاط تأکید شده است. برای نمونه، پاراگراف هشتم مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی سال ۱۹۹۲ بیان می‌دارد: «با توجه به وجود خطر قابل توجه کاهش عمده یا نابودی تنوع زیستی نمی‌توان عدم قطعیت کامل علمی را به‌عنوان دلیل

۹۵. محمدی؛ همان.

۹۶. طلایی؛ ۱۳۸۴، همان، ص ۷.

97. Principle 15, The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

۹۸. موسوی، سیدفضل‌الله، سیدحسن حسینی و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۷، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۸.

۹۹. مولایی، آیت؛ مبانی و اصول توسعه پایدار زیست‌محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه حقوق محیط‌زیست، نظریه‌ها و رویه‌ها، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط‌زیست، ۱۳۸۸، ص ۴۲۶.

100. Sands & Peel, Jacqueline, *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2018, p. 220.

به تعویق انداختن اقدامات لازم جهت جلوگیری یا کاهش چنان خطری مطرح کرد...»^{۱۰۱} بر اساس پاراگراف نهم کنوانسیون مزبور می‌بایست اقدامات پیشگیرانه‌ای جهت پیش‌بینی، جلوگیری یا به حداقل رساندن علل تغییرات آب‌وهوا و کاهش اثرات سوء آن به کار گیرند. در مواردی که احتمال بروز تهدیدهای جدی یا آسیب‌های برگشت‌پذیر وجود دارد نمی‌بایست از فقدان قطعیت علمی به عنوان دلیل برای به تعویق انداختن این گونه اقدامات استفاده کرد...»^{۱۰۲}

در پروتکل کارتاگنا سال ۲۰۰۰ که بر اساس اصل احتیاط تدوین شده است در مواد ۱، ۱۱ و ۱۲ مفاهیمی بسیار گسترده‌تر از اصل ۱۵ بیانیه ریو آمده است.^{۱۰۳}

بدین ترتیب، اصل احتیاط، این تعهد را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که در زمانی که این باور و اعتقاد وجود دارد که یک اقدام موجب بروز خسارت زیست‌محیطی می‌شود، حتی اگر دلیل علمی قاطع در خصوص آثار زیان‌بار آن اقدام برای محیط‌زیست وجود ندارد، شخص یا نهاد اقدام‌کننده باید اقدامات پیشگیرانه را در جهت حفظ محیط‌زیست اتخاذ کند.

چنین اقدامات پیشگیرانه، از جمله مطالعه و برنامه‌ریزی قبلی، ارزیابی راه‌های جایگزین ممکن و بررسی پیشگیری از آسیب به محیط‌زیست را دربرمی‌گیرد. در واقع، منظور، اجرای اقداماتی است که هدف از آن پیشگیری، حذف یا کاهش اثرات نامطلوب احتمالی بر محیط‌زیست است. بر این اساس، کلیه فعالیت‌هایی که ممکن است آسیب‌هایی را به محیط‌زیست وارد کند در درجه اول باید منع شود یا در صورت امکان، تحت نظارت و تنظیم واقع شود. در چارچوب این اصل، هدف از انجام مطالعات مربوط به ارزیابی‌های زیست‌محیطی آن است که حرکت از ترمیم خسارات وارد به محیط‌زیست به حمایت پیشگیرانه و احتیاطی از محیط‌زیست انتقال یابد.^{۱۰۴}

۳-۶. حق برخورداری از محیط‌زیست سالم^{۱۰۵}

اجرای پروژه گاپ باعث ایجاد طوفان‌های گردوغبار در منطقه و سرایت آن به ایران می‌شود که مشکلات زیست‌محیطی و شیوع بیماری‌های عفونی و تنفسی در منطقه را به دنبال می‌آورد.^{۱۰۶} حمایت از حیات بشر، هم‌زمان با حمایت از طبیعت، جزء تفکیک‌ناپذیر از حق برخورداری از محیط‌زیست سالم است. حق بر محیط‌زیست سالم، دو جنبه فردی و جمعی دارد. در جنبه فردی، هیچ شهروندی حق آسیب‌زدن و تخریب محیط‌زیست را به هیچ نحوی ندارد. در همین راستا،

101. CBD, para 8.

102. *Ibid.*, para. 9.

103. Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity, 2000, Montreal.

۱۰۴. طلایی؛ همان، ص ۸.

105. The Human Right to a Healthy Environment

۱۰۶. محمدی؛ همان، ص ۷۸.

اشخاص زیان دیده، حق اقامه دعوا در صورت ورود خسارت زیست‌محیطی را دارند. بُعد جمعی این حق، مربوط به وظایف دولت‌هاست که در آن دولت‌ها موظف‌اند در حل مشکلات زیست‌محیطی جهان با یکدیگر همکاری کنند.^{۱۰۷}

در همین زمینه، اصل ۱ بیانیه ریو بیان می‌دارد: «بشر در فرایند توسعه پایدار در مرکز توجهات قرار دارد و سزاوار برخورداری از زندگی سالم پویا و هماهنگ با طبیعت است».^{۱۰۸} بند ۱ فصل ۶ دستور ۲۱ در خصوص حمایت و ترویج سلامت بشر بیان می‌دارد: «سلامتی و توسعه به یکدیگر مربوط هستند. هم توسعه ناکافی منجر به فقر و هم توسعه نامناسب منجر به مصرف زیاد همراه گسترش جمعیت جهانی می‌تواند سبب بروز مسائل شدید برای سلامت محیط‌زیست شوند... بر این اساس، دستور اقدام باید به نیازهای اولیه جمعیت جهان به سلامت توجه کند زیرا تأمین این نیازها برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و حمایت از محیط‌زیست ضروری است».^{۱۰۹}

علاوه بر این موارد، بیانیه استکهلم، هر دو جنبه محیط‌زیست انسان (طبیعی و مصنوعی) را برای رفاه بشر و بهره‌مندی او از حقوق بنیادین بشری، حتی حق حیات ضروری می‌داند.^{۱۱۰} اصل اولیه این بیانیه راجع به محیط‌زیست بشر بیان می‌دارد: «بشر حقوقی بنیادین نسبت به آزادی، برابری و شرایط کافی و مناسب زندگی در محیط‌زیستی با کیفیتی دارد که به او اجازه زندگی با شرافت و سعادتمندانه‌ای را می‌دهد. همچنین مسئولیت حفظ و بهبودی محیط‌زیست برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را به عهده دارد...».^{۱۱۱}

کنوانسیون آرهوس،^{۱۱۲} حمایت از حقوق بشر و محیط‌زیست را با هم مرتبط می‌داند و در ماده ۱ حق محیط‌زیست سالم را این‌گونه شناسایی می‌کند: «به منظور مشارکت در حمایت از حق هر انسانی در حال حاضر و در نسل‌های آینده برای زندگی در محیط مناسب برای سلامتی و سعادت او، هریک از دولت‌های عضو، دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی‌ها و دسترسی به عدالت در مسائل زیستی مطابق مقررات این کنوانسیون را فراهم آورد».^{۱۱۳} برخی از اصول اسناد حقوق بشری که به تصویب سازمان ملل رسیده است، حق بر محیط‌زیست سالم را از حقوق اساسی بشر دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه، بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر اعلام می‌دارد: «هر کس حق دارد که سطح زندگی، سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک،

۱۰۷. عباسی، بیژن؛ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، چاپ دوم، دادگستر، ۱۳۹۰، ص ۴۵۲.

108. Principle 1, The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

109. Chapter 6(1), United Nations Conference on Environment & Development, Rio de Janeiro, Brazil, 3 to 14 June 1992, Agenda 21.

۱۱۰. مجنونیان؛ همان، ص ۲۲۴.

111. Principle 1, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration, 1972).

112. Aarhus Convention, 1998.

113. Art. 1, n.113, Aarhus Convention.

مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی تأمین کند...»^{۱۱۴}.
 بند ۱ ماده ۴ پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی به این امر اختصاص داده شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر انسان به صورت فردی و کلیه انسان‌ها به طور جمعی حق دارند از محیط‌زیستی سالم و دارای تعادل زیست‌بومی و مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی بهره‌مند شوند»^{۱۱۵}.

طرفداران حقوق بشر، حق به محیط‌زیست را حق مستقل بشری برای داشتن محیط‌زیستی با کیفیت خاص می‌شناسند و این حق معمولاً «حق داشتن محیط‌زیست مناسب» شناخته می‌شود. از این زاویه، حق به محیط‌زیست سالم در مجموعه نسل جدید حقوق بشر قرار می‌گیرد که اصطلاحاً آن را حقوق همبستگی می‌نامند.^{۱۱۶} عدم سلامت محیط‌زیست، تهدیدی جدی برای بقای انسان است.^{۱۱۷} بنابراین، احترام به حقوق بشر، ارتباط مستقیم با حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دارد زیرا زندگی انسان و ادامه حیات او منوط به سلامت محیط‌زیست است.^{۱۱۸} از آنجا که نوع بشر در محیط ناسالم در معرض نابودی قرار می‌گیرد، برای بقای نسل بشر باید از محیط‌زیست حمایت شود.^{۱۱۹}

ویرامانتری، قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو - ناگیماروس اظهار کرد «حمایت از محیط‌زیست، بخش بسیار مهمی از دکترین معاصر حقوق بشر است زیرا چنین حمایتی شرط لازم و اساسی تحقق بسیاری از حقوق دیگر، نظیر حق بهداشت و خود حق حیات است».^{۱۲۰} اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به صورت تلویحی و ضمنی، حق به محیط‌زیست سالم را تأیید می‌کنند. در چارچوب این اسناد، به برخی از حقوق بشر موجود، مانند حق حیات، توجه و مطالب گسترده‌ای بر مبنای این حق در خصوص محیط‌زیست در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده است. به علاوه در مواد مختلفی از میثاق حقوق مدنی و سیاسی همچون ماده ۲۷ و ماده ۶ به آن استناد شده است.^{۱۲۱}

114. Art. 25(1), Universal Declaration of Human Rights, 1948.

115. Art. 4(1), Draft Declaration on the Right to International Solidarity.

۱۱۶. مولایی، یوسف؛ «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط‌زیست سالم»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، ۱۳۸۶، صص ۲۷۵-۲۷۴.

117. ICJ Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders, 1996, vol.1, para. 29.

118. Boyle, Alan E. & Anderson M.R., *Human Rights Approaches to Environmental Protection*, Clarendon, Oxford, 1996, p. 10.

119. Gormely W. Paul, "The Right to a Safe and Decent Environment", 28 *The Indiana Journal of International Law*, 1988, p. 32.

۱۲۰. مولایی؛ همان، ص ۲۷۷.

121. Ksentini, Fatma Zohra, *Progress Reports Human Rights and the Environment*, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/1992/7. 1992, p. 28.

در سطح منطقه‌ای، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، اولین سند مصوب بین‌المللی است که ماده ۲۴ آن، صراحتاً بر محیط‌زیست سالم تأکید کرده است.^{۱۲۲}

در نظام حقوق بشر بین کشورهای امریکایی،^{۱۲۳} پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر،^{۱۲۴} به حق به محیط‌زیست سالم توجه کرده است.^{۱۲۵} پروتکل سان سالوادور نیز حق به محیط‌زیست سالم را به‌عنوان جنبه ویژه‌ای از حق زندگی در ماده ۱۱ خود معرفی کرده است.^{۱۲۶}

در حقوق اتحادیه اروپا، اعلامیه دوبلین، مصوب ۷ ژوئیه ۱۹۹۰ که ناظر به الزامات زیست‌محیطی است، تضمین محیط‌زیست پاک و سالم برای شهروندان اروپا^{۱۲۷} و دادگاه حقوق بشر اروپا هم به‌طور غیرمستقیم و با استناد به ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا، حق فردی شهروندان اروپایی به محیط‌زیست سالم را تأیید می‌کنند.^{۱۲۸}

۷-۳. اصل همکاری بین‌المللی

ترکیه به پیمان آرهوس که حق همکاری در تصمیم‌سازی‌های زیست‌محیطی را به رسمیت می‌شناسد، نپیوسته است. مهار خسارات فرامرزی پروژه گاپ، نیازمند همکاری منطقه‌ای است. در این بین، وضعیت عراق و ایران، همکاری برای از بین بردن کانون‌های آلودگی موجود را می‌طلبد. تأکید بر ضرورت همکاری دولت‌ها، موضوعی است که نه‌تنها در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بلکه در کل حقوق بین‌الملل صادق است زیرا ماهیت و سرشت این رشته از علم حقوق که برخلاف حقوق داخلی، مبتنی بر تبعیت است بر نوعی همکاری بنا شده که نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری، اجرا و نظارت بر مقررات آن بازی می‌کند. تعهد به همکاری بین دولت‌ها، از جمله در بردارنده چنین تعهداتی است: انتقال فناوری و تجربیات عملی در رابطه با جریان‌های پیشگیری، کنترل و کاهش روند تخریب محیط‌زیست، تبادل کامل، آزاد و فوری اطلاعات، همکاری در برنامه‌های منطقه‌ای و جهانی در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست، ارائه گزارش و اطلاعات به نهادهای بین‌المللی زیست‌محیطی، همکاری در زمینه پژوهش و آموزش، همکاری در زمینه تعیین معیارها و استانداردهای بین‌المللی، همکاری در حفاظت و مدیریت منابع زنده دریایی و تأمین منابع مالی.^{۱۲۹}

122. Art. 24, African Charter of Human and Peoples' Rights, 21 I.L.M. 59, 1981.

123. Inter-American System

124. Protocol San Salvador

125. American Convention on Human Rights adopted in 1988 entry into force in November 1999.

۱۲۶. مولایی؛ همان.

127. Merini Muriel, "Protection de l'individu contre les nuisances environnementales", *Revue trimestrielle des droits de l'Homme*, n° 65, janvier 2006, p. 56.

128. Giorgetta Sueli, The Right to a Healthy Environment/UN/Doc.A/Con NF.157/23, 12 July 1993, p. 392.

129. Divan, Shyam, "International Environmental Law", Available at: <http://www.nls.ac.in/CEERA/ceerafeb04/html/documents/internationalenvtlawshyamidiwan.htm>. 2002, , p. 4.

تعهد به همکاری در سطوح دوجانبه منطقه‌ای و جهانی قابلیت اعمال دارد. به‌علاوه از حیث قلمرو زمانی می‌تواند پیش یا پس از بروز مشکل مطرح شود.^{۱۳۰} در رابطه با اهمیت تعهد به همکاری دولت‌ها در قبال حفاظت محیط‌زیست می‌توان به تصمیم دیوان در قضیه گابچیکوو-ناگیماروس، اختلاف بین مجارستان و اسلواکی^{۱۳۱} و رویکرد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها در قضیه کارخانه ماکس^{۱۳۲} که بین ایرلند و بریتانیا مطرح شد اشاره کرد. دادگاه ضمن تأکید به همکاری اذعان می‌دارد که به‌موجب فصل ۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل عام، تعهد به همکاری، اصل بنیادین در خصوص پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست دریایی است.^{۱۳۳}

در اسناد بین‌المللی نظیر بیانیه/ستکهلم، همکاری در جمع‌آوری منابع برای حمایت از کشورهای درحال توسعه و همکاری ملل و مؤسسات بین‌المللی که دارای علایق مشترک هستند، به منظور حفاظت از محیط‌زیست و بهبود آن در اصول ۲۲ تا ۲۴ پیش‌بینی شده است.^{۱۳۴} بند چهارم مقدمه اعلامیه ریو نیز بر پایه همکاری جهانی نوین و عادلانه قرار گرفته است. در همین راستا تعهد به همکاری به گونه‌ای گسترده در کنوانسیون‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، کنوانسیون تنوع زیستی در ماده ۵ مقرر می‌دارد: «هریک از کشورهای عضو باید تا حد امکان و به نحو مناسب با سایر کشورهای عضو کنوانسیون به گونه‌ای مستقیم یا در صورت نیاز از طریق سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط در ارتباط با مناطق خارج از قلمرو خود با سایر موضوعات مورد علاقه طرفین برای حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی همکاری کند».^{۱۳۵}

ماده ۶ کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان در سه بند دولت‌ها را به همکاری برای حمایت، حفاظت و شناسایی میراث جهانی متعهد می‌کند.^{۱۳۶} مواد ۳ و ۴ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اُزون ۱۹۸۵ از نو بر این تعهد تأکید می‌کند.^{۱۳۷} کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نیز بخشی از مقررات خود را به همکاری بین دولت‌های عضو در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی اختصاص داده است. از جمله این مواد می‌توان به مواد ۲۰۰، ۱۹۹ و ۱۹۷ اشاره کرد.^{۱۳۸}

۱۳۰. کیس؛ همان، ص ۷۲.

131. Arrêt du projet Gabčíkovo-Nagymaros (Hongrie/Slovaquie), 1997, 17,67,112 et 150.

132. Mox

133. Nouzha, ch.2002. L'affaire de l'Usine Mox (*Irland c. Royaume-Unis*) devant le Tribunal international du droit de la mer: quelles mesures conservatoires pour la protection de l'environnement. Actualité du droit international. www.ridi.org/adi, consulté le 23 mai 2007.

134. Principles 22-24, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm Declaration, 1972.

135. Art. 5, CBD, 1992.

136. Art. 6, Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972.

137. Art. 3 & 4, Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 22 March 1985.

138. Articles 197, 199 & 200, United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.

۴. تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه

دولت ترکیه علاوه بر نقض اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تعهدات زیست‌محیطی دارد که در اسناد بین‌المللی متفاوت لحاظ شده است. با توجه به مطالب مطروح و تخریب زیست‌محیطی پروژه گاپ، لازم است تا تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه بررسی شود. این تعهدات که همگی درون‌مایه حمایتی و حفاظتی از محیط‌زیست دارند جنبه انحصاری ندارند و می‌توان در آینده، بسته به پیشرفت علوم و فناوری، تعهدات دیگری را بر آن‌ها افزود.

۴-۱. تعهد به وضع مقررات داخلی در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست

اتحادیه اروپا در «گزارش پیشرفت» ترکیه برای پیوستن به آن اتحادیه که در سال ۲۰۰۶ تهیه شد اشاره داشته که در سامانه قانونگذاری ترکیه، ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی و موضوع اثرات فرامرزی فعالیت‌های عمرانی وضع نشده است.^{۱۳۹} در این خصوص، تعهد به وضع مقررات و قوانین هماهنگ با مقررات و موازین بین‌المللی در اسناد زیست‌محیطی نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه، به‌موجب مفاد مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی، اعضای آن^{۱۴۰} متعهد می‌شوند که در سطح ملی تدابیر لازم را برای حفاظت از گونه‌های زیستی، محیط‌زیست انسان و سیستم‌های زیست‌محیطی اتخاذ اتخاذ کنند.^{۱۴۱}

کنوانسیون حمایت از لایه اُزون در ماده ۲ دولت‌های عضو^{۱۴۲} را موظف به اتخاذ تدابیر مناسب قانونی می‌کند.^{۱۴۳} علاوه بر این موارد، اصل ۱۳ بیانیه ریو راجع به محیط‌زیست و توسعه مقرر می‌دارد: «دولت‌ها باید قوانین ملی در خصوص مسئولیت ناشی از آلودگی و دیگر صدمات وارده به محیط‌زیست و پرداخت غرامت به قربانیان این خسارات را تدوین، و برای تدوین مقررات جدید در مورد مسئولیت و پرداخت غرامت در قبال خساراتی که در اثر فعالیت‌های انجام‌شده در تحت صلاحیت و اقتدار آن‌ها به مناطق واقع در خارج از قلمرو ملی‌شان وارد می‌آید با دقت و قاطعیت تمام با یکدیگر همکاری کنند».^{۱۴۴}

۱۳۹. محمدی؛ همان، ص ۸۱.

۱۴۰. ترکیه از سال ۱۹۹۶ تا کنون عضو کنوانسیون تنوع زیستی بوده است.

141. CBD, 1992.

۱۴۲. ترکیه از ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۱ عضو کنوانسیون حمایت از لایه اُزون بوده است.

143. Art. 2, Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 22 March 1985.

144. Principle 13, CBD, 1992.

۲-۴. تعهد به ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی^{۱۴۵}

تعهد به ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی در راستای ارتقا و پیشرفت برنامه‌ریزی آگاهانه در خصوص محیط‌زیست در معاهدات و رویه دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، کنوانسیون تنوع زیستی در دو بند ماده ۱۴ به تعهد ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی و به حداقل رساندن پیامدهای زیان‌بار اشاره می‌کند.^{۱۴۶} کنوانسیون حفاظت از لایه اُزون در ماده ۳ از نو بر این تعهد تأکید می‌کند.^{۱۴۷}

رویه قضایی و داوری نیز در رأی دیوان داوری در قضیه دریاچه لانو به این الزام توجه کرده است. محکمه مربوطه در رأی خود بیان می‌دارد: «کشور واقع در بالادست رودخانه موظف است منافع مختلف در معرض خطر را لحاظ کند و به وضوح نشان دهد که مسئله هماهنگی و توازن میان منافع خود و دیگر کشورهای ساحلی رودخانه را واقعاً ملحوظ داشته است».^{۱۴۸}

در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۵ میلادی، دولت نیوزلند ادعا کرد که آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه، نقض حقوق بین‌الملل بوده، به این دلیل که فرانسه باید قبل از انجام آزمایش‌های مزبور، پیامدهای زیست‌محیطی را ارزیابی کند.^{۱۴۹}

رویه دولت‌ها نیز حاکی از پذیرش چنین تعهدی است. برای نمونه، شورای جوامع اروپایی در سال ۱۹۸۵ میلادی در آخرین رهنمود خود در خصوص ارزیابی زیست‌محیطی، ضرورت ارزیابی آثار زیست‌محیطی را نسبت به سایر کشورهای عضو تصویب کرد.^{۱۵۰}

دولت کانادا در سال ۱۹۹۲ میلادی، قانونی را در خصوص شیوه‌های ارزیابی زیست‌محیطی صادر کرد که دولت‌ها را ملزم به لحاظ کردن کامل آثار و توابع زیست‌محیطی در طرح پیشنهادی کرد.

۳-۴. تعهد به رعایت حقوق بومیان

ساخت این سدها، نظام آب‌ساختی دو رودخانه بزرگ دجله و فرات را به شدت متأثر و مختل کرده و علاوه بر متروکه شدن چندین میلیون هکتار از اراضی کشاورزی در کشورهای سوریه و عراق،

145. Environmental Impact Assessment

146. Art. 14 of the CBD, 1992.

147. Art. 3, Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 22 March 1985.

148. Compendium of Judicial Decisions on Matters Related to Environment. 1998. Available at: [http://www.unep.org/Padalia/publications/Jud.dec.%20per\(int%20.pdf](http://www.unep.org/Padalia/publications/Jud.dec.%20per(int%20.pdf). pp. 1-18.

149. Request for an Examination of the Situation with paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December, 1974 in the Nuclear Tests (*New Zealand v. France*), Application of 9 May, 1973. Available at: <http://www.icjij.org/docket/index.php?pl=3&p2=3&code=nzf&case=97&k=cd.p>. 4.

150. Council directive of 27 June 1985 on the assessment in North America: Obstacles and Opportunities, AALS Annual Meeting. 2007, Available at: <http://www.aals.org/am2007/Thursday/eraik.pdf> Washington.D.C. p. 6.

بحرانی جدی در پایاب خود، یعنی هورالعظیم به وجود آورده است؛ بحرانی که سبب شده تا تالاب راهبردی هورالعظیم به بزرگ‌ترین کانون بحرانی فرسایش بادی در منطقه بدل شود. در واقع، جوامع بومی و مردم سوریه، عراق و ایران، یعنی خاستگاه کهن‌ترین تمدن‌های جهان چون ایرانی، سوری و بین‌النهرین، به شدت از اثرات ویرانگر این سدها آسیب دیده و می‌بینند. بنابراین پروژه گاپ در خصوص جوامع بومی و محلی به‌ویژه محدوده کردستان ترکیه و علاوه بر آن بر زندگی جوامع محلی و بومی در سوریه، عراق و ایران، منجر به تأثیر مستقیم منفی شده است.^{۱۵۱} این رویکرد کاملاً مغایر با بیانیه رعایت جوامع بومی است. اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی،^{۱۵۲} مصوب ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۰۷ میلادی اعلام می‌دارد که مردم بومی به دلیل وابستگی به زمین و محیط طبیعی، قواعد خاصی در حفاظت از آن دارند.^{۱۵۳} در ماده ۲۹ اعلام می‌دارد که مردمان بومی حق دارند از محیط‌زیست ... خود حفاظت و مراقبت کنند.^{۱۵۴} در همین راستا می‌توان به موادی از کنوانسیون مردمان بومی و محلی^{۱۵۵} نیز اشاره کرد. کنوانسیون مردمان بومی و محلی در سال ۱۹۸۹ شکل گرفت. این کنوانسیون در بند ۱ ماده ۴ بیان می‌دارد: ۱. اقدامات ویژه‌ای برای حفاظت از محیط‌زیست مردم مربوطه لازم است؛ و در بند ۴ ماده ۷ می‌افزاید: دولت‌ها باید با همکاری با مردم مربوطه، اقدامات لازم را جهت حمایت و حفاظت از محیط‌زیست سرزمین‌های محل سکونت مردم محلی و بومی انجام دهند.^{۱۵۶}

در سال ۱۹۸۲ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، گروه کاری جمعیت‌های بومی را به وجود می‌آورد که فعالیت آن متوجه تهیه اعلامیه جهانی حقوق افراد محلی و بومی است. در پیش‌نویس این اعلامیه، ضمن بیان ویژگی جمعی و گروهی جلوه‌های مردمان محلی و بومی تأکید شده است که صاحبان و دارندگان این جلوه‌ها برای حمایت از جانوران و گیاهان ویژه آن سرزمین و منطقه خاص، تدابیر پیشگیرانه و حمایتی اتخاذ کنند. به‌علاوه این بیانیه متذکر می‌شود که پروژه‌ها و برنامه‌های عظیم توسعه‌ای باید منطبق با حقوق جوامع بومی و محلی باشد.

۴-۴. تعهد به مقابله با خشکسالی و بیابان‌زایی

ادامه این روند ویرانگر پروژه گاپ، بهره‌برداری‌های غیرمسئولانه و بی‌ملاحظه دولت ترکیه از آب، گذشته از نابودی کشاورزی و تشنگی روستاها و شهرها در میان‌رودان، طغیان پدیده گردوغبار در

152. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, 13 September 2007.

153. Art. 25-27, *Ibid.*

154. Art. 29, *Ibid.*

155. Convention C169, Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989.

156. Art. 4(1), C169 - Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989.

باختر و مرکز ایران را هم پدید آورده و پیوسته تشدید می‌کند؛ فرایند ویرانگری که نه تنها فعالیت‌های تولیدی، که کل زندگی مردم را تهدید کرده و آبادبوم‌های انسانی را به سمت متروکه شدن سوق می‌دهد و منجر به خشکسالی و بیابان‌زایی می‌شود. این امور (خشکسالی و بیابان‌زایی) از جمله عواملی است که منجر به تشدید گردوغبار در مناطق بیابانی از جمله ایران و عراق می‌شود. دلیل این امر نیز عاری شدن کانون‌های فرسایش بادی از پوشش گیاهی و لخت شدن زمین به دلایل انسانی و طبیعی است.^{۱۵۷} در این زمینه اسناد بین‌المللی متعددی تصویب شده است. برای نمونه می‌توان از کنوانسیون ۱۹۷۳/او/گادوگو در خصوص تشکیل کمیته دائمی بین‌الدولی نظارت بر خشکسالی^{۱۵۸} یاد کرد. این کنوانسیون با هدف مبارزه با خشکسالی و آثار آن در منطقه آفریقا تدوین شده است که کنوانسیون ۱۹۹۴ پاریس برای مقابله با بیابان‌زایی،^{۱۵۹} علاوه بر موضوع بیابان‌زایی، به‌طور مفصل به بحث خشکسالی نیز پرداخته است. هدف این کنوانسیون، همان‌گونه که در ماده ۲ آن آمده است، بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشکسالی از طریق اقدام مؤثر در تمام سطوح با حمایت همکاری‌های بین‌المللی در کشورهایی است که به‌طور جدی با خشکسالی و بیابان‌زایی مواجه هستند. بر این اساس، متعاهدین موظف شده‌اند برنامه جامع بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشکسالی را اجرا کنند. همچنین کشورهای عضو این کنوانسیون از طریق اجرای «برنامه‌های اقدام ملی»^{۱۶۰} و «برنامه‌های اقدام منطقه‌ای»^{۱۶۱} عوامل مؤثر بیابان‌زایی و کاهش اثرات خشکسالی را شناسایی می‌کنند. مواد ۱۰ تا ۱۳ این کنوانسیون، چند ویژگی را برای این قبیل برنامه‌های عمل برشمرده است که رعایت این ویژگی‌ها می‌تواند مستقیماً بر میزان پدیده ریزگردها تأثیر داشته باشد. نخست اینکه این برنامه‌ها باید به اجرای روش‌های پیشگیری از تخریب زمین‌هایی که هنوز تخریب نشده‌اند یا مختصری فرسایش یافته‌اند توجه مخصوص کنند. دوم اینکه همراه با راهبردهای بلندمدت بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشکسالی بوده، بر اجرا تأکید داشته و با سیاست‌های ملی برای توسعه پایدار ادغام شوند و سوم اینکه توانایی‌های هواشناسی، آب‌شناسی، آب‌وهوایی در سطح ملی و «سیستم‌های هشداردهنده خشکسالی»^{۱۶۲} را تقویت کنند.

۱۵۷. پورعلی، ملیحه؛ «بررسی علل و منشأ ایجاد گرد و غبار در استان خوزستان»، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۳، پیاپی ۹۴، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۲.

158. Convention Establishing a Permanent Inter-State Drought Control Committee for the Sahel, 12 September 1973.

159. UN Convention to Combat Desertification, 1994.

160. State National Action Plans

161. Regional Action Plan

162. Drought Warning System (DWS)

۵. مسئولیت بین‌المللی صدمات برون‌مرزی^{۱۶۳}

از جمله نتایج اجرای پروژه گاپ، عدم ورود آب به میزان قبلی به دجله و فرات، کم‌آب شدن این دو رودخانه در پایین‌دست، نابودی کشاورزی و دامداری در کشورهای سوریه و عراق، کم‌آب شدن اروندرود، ورود آب شور دریا به آن و نهرهای متصل به اروندرود است که منجر به نابودی نخلستان و دامپروری منطقه می‌شود. این تغییرات باعث به وجود آمدن طوفان‌های گردوغبار در منطقه و سرایت آن به ایران و سایر کشورهای همسایه می‌شود که مشکلات زیست‌محیطی و شیوع بیماری‌های عفونی و تنفسی در منطقه را به دنبال می‌آورد. همچنین این طوفان‌ها نمک و رسوبات دیگر را نیز به زمین‌های زراعی اطراف پخش می‌کند و مشکلات مضاعفی را به وجود می‌آورد، نظیر فاجعه خشک کردن دریاچه آرال در آسیای مرکزی.^{۱۶۴}

دولت ترکیه در حالی نسبت به ورود صدمات برون‌مرزی بی‌توجه است که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، دولت به علت نقض تعهد حقوقی بین‌المللی، در صورتی که عمل مورد بحث، قابل انتساب به او باشد، دارای مسئولیت بین‌المللی است.^{۱۶۵}

بنابراین اگر فعل یا ترک فعلی را بتوان به دولتی منتسب کرد که منجر به نقض تعهد حقوقی بین‌المللی (به موجب حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای) شده باشد می‌توان ادعا کرد که آن دولت به موجب حقوق بین‌الملل مسئولیت دارد.

دولت در قبال فعل یا ترک فعل قوای سه‌گانه خود و مسئولان از جمله پلیس، مقامات نظامی، مهاجرتی و نظایر آن مسئولیت دارد. حتی اگر این اعمال، خارج از حوزه صلاحیت و اختیارات مقامات دولتی و ارکان مربوطه باشد، با شرایط خاصی نیز دولت مسئول است. از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری این امر قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۱۶۶} بنابراین دولت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌المللی محیط‌زیست مسئولیت دارند.

تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به قلمرو سرزمینی محدود نیست. معاهدات زیست‌محیطی به‌طور صریح، مسئولیت دولت‌ها را در برابر فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترلشان برای اینکه به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق آن سوی صلاحیت ملی خود خسارتی وارد نکنند به رسمیت شناخته‌اند.

در همین راستا می‌توان ادعان کرد که تعهد دولت‌ها در خصوص کنترل و هدایت فعالیت‌هایی که در قلمروشان یا در مناطق تحت کنترلشان انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که خسارت زیست‌محیطی بر سایر دولت‌ها یا در مناطق واقع در خارج از قلمروشان وارد نشود، به صورت قاعده الزام‌آور قراردادی

163. Responsibility for Transboundary Harm

۱۶۴. محمدی؛ همان، ص ۷۸.

165. Caire Claim (*France v. Mexico*), 1929, 5 RIAA.516.

166. Immunity of Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, ICJ, Reports 1999, p. 62.

حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است.^{۱۶۷}

برای نمونه، اصل ۲۱ اعلامیه/ستکهلم اعلام می‌دارد که: «دولت‌ها به‌موجب منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی خود بر اساس سیاست‌های زیست‌محیطی خود هستند و مسئولیت تضمین یا کنترل فعالیت‌های داخل قلمرو خود را به نحوی که صدمه‌ای به محیط‌زیست کشورهای دیگر یا مناطق ماورای قلمرو آنها وارد نکند به عهده دارند».^{۱۶۸} بنابراین ملاحظه می‌شود که اعلامیه مزبور پس از به‌رسمیت شناختن حاکمیت دولت‌ها بلافاصله اعلام می‌دارد که دولت‌ها باید ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام‌شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نشود.

اصل ۲ بیانیه ریو نیز تنها با تغییر و افزودن صفت «توسعه» بین کلمات زیست‌محیطی و سیاست‌ها مجدداً بیان می‌دارد که دولت‌ها در برابر فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترلشان برای اینکه به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق آن سوی صلاحیت ملی خود خسارتی وارد نکنند، مسئولیت دارند.^{۱۶۹}

به‌موجب ماد ۱۹۳ و بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به‌ترتیب، تعهداتی به شرح ذیل لحاظ شده است: «... دولت‌ها وظیفه دارند از محیط‌زیست دریایی حفاظت کنند» و «کلیه اقدامات مقتضی را به منظور کسب اطمینان از اینکه فعالیت‌های انجام‌شده در قلمروشان یا مناطق تحت کنترلشان به نحوی انجام شود که بر محیط‌زیست دیگر دولت‌ها خسارت وارد نسازد انجام دهند». علاوه بر آن، دولت‌ها باید اطمینان یابند که «آلودگی ناشی از تصادف یا فعالیت‌های آنها به مناطق واقع در قلمرو تحت صلاحیت آنها گسترش نیابند».^{۱۷۰} کنوانسیون سال ۱۹۷۹ راجع به آلودگی هوایی دوربرد برون‌مرزی^{۱۷۱} و کنوانسیون تنوع زیستی سال ۱۹۹۲ نیز مسئولیت دولت نسبت به آثار زیان‌بار دورن‌مرزی را به رسمیت شناخته‌اند.^{۱۷۲}

با توجه به مباحثی که در این مقاله مطرح شد، ترکیه مسئول خسارات وارده به ایران، عراق و سوریه است. لذا باید مطابق مفاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نسبت به توقف و عدم تکرار عمل

۱۶۷. میرزایی یگنجه، سعید؛ تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱۰۳.

168. Principle 21, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration, 1972).

169. Principle 2, The Rio Declaration on Environment and Development, 1992.

170. Art. 193 & 194 (2), United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.

171. Convention on Long-Range Transboundary Air Pollution, 1979.

172. Convention on Biological Diversity (CBD), United Nations, 1992.

متخلفانه (سدسازی‌های غیراصولی) اقدام کند.^{۱۷۳} به‌علاوه خسارات وارد شده باید با استفاده از شیوه‌های جبران خسارت در نظام مسئولیت بین‌المللی جبران شود.^{۱۷۴}

نتیجه

آبراه‌های بین‌المللی یکی از عوامل مهم در تعاملات اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی کشورهای همسایه به شمار می‌آیند. موضوع آبراه‌های بین‌المللی و نحوه بهره‌برداری از آن‌ها از جمله مسائل مهم و بااهمیت و مشترک بین اکثر کشورهاست که معمولاً زمینه‌ساز آثار سوء زیست‌محیطی فراوانی در کشورهای همسایه می‌شود.

از این آثار سوء زیست‌محیطی برای نمونه می‌توان به بحران‌هایی نظیر خشکسالی، بیابان‌زایی، خشک‌شدن تالاب‌ها، مرگ‌ومیر بسیاری از گونه‌های دریایی و مواردی از این قبیل اشاره کرد. به منظور پیشگیری از چنین بحران‌هایی، در ارتباط با بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی، نظریه‌های متفاوتی بر اساس اینکه کشور در بالادست آبراه بوده یا در پایین‌دست، شکل گرفته است.

از میان چهار نظریه موجود در زمینه بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی یعنی نظریات «حاکمیت سرزمینی مطلق»، «تمامیت مطلق سرزمینی»، «تمامیت محدود سرزمینی» و «منابع مشترک یا مدیریت مشترک»، نظریه منابع مشترک یا مدیریت مشترک، نه تنها به‌عنوان رویکرد جدید و متفاوت در مدیریت منابع آب در نظر گرفته شده، بلکه وسیله‌ای برای احیای مجدد اصل حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی شده و تکلیف صریحی بر مشارکت فعالانه در توسعه و بهره‌برداری منطقی از منابع مشترک آب مقرر کرده است.

این نظریه عموماً بر این مطلب تأکید دارد که هر کشور ساحلی حق استفاده و بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی جاری در کشور خودش را دارد، به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت‌ها و کشورهای دیگر نشود. در این مورد، حاکمیت بر منابع مشترک آب، نسبی و مشروط است.

به‌موجب این نظریه، کلیه دول همجوار، نسبت به بهره‌برداری از آبراه‌های مشترک از تکالیف و حقوق متقابلی برخوردارند. این اصل بر اساس این ایده استوار است که آبراه‌های بین‌المللی منابع مشترکی هستند که موجب «اجتماع منافع مشترک» بین تمام دول ساحلی می‌شود. وجود اجتماع منافع مشترک، نیازمند تعادل «معقول و منصفانه» منافع دولت است که پاسخگوی نیازها و استفاده هریک از آن‌هاست. به عبارتی، استفاده‌ای منصفانه و معقول تلقی می‌شود که منافع طرف دیگر در

173. Art. 30, The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, 2001.

174. Art. 34, *Ibid.*

خصوص منافع مشترک و حفاظت محیط‌زیست را در برگیرد. در عصر حاضر، محدودیت استفاده از آب‌ها به‌عنوان اصل کلی حقوقی پذیرفته شده است. بررسی معاهدات بین‌المللی، دکترین و رویه قضایی بیانگر این است که دولت‌ها دیگر حاکمیت سرزمینی مطلق را نمی‌پذیرند.

در نتیجه با توجه به اصل استفاده منصفانه و معقول، در مورد سدسازی‌های دولت ترکیه می‌توان گفت کشورهای آبراهی در بهره‌برداری از آبراه مشترک هرکدام حقوقی دارند؛ لذا تردیدی نیست که این حقوق، آزادی عمل دولت ترکیه را محدود می‌کند. دولت ترکیه، به شروط رعایت منافع مشترک سایر کشورهای آبراهی و حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند تأسیساتی را روی آبراه مشترک بنا کند، زیرا استفاده از آبراه تا زمانی که به سایر کشورهای آبراهی زیان نرساند، معقول و منصفانه است.

با وجود تعهد ترکیه به اصل استفاده منصفانه و معقول، مسئله مهم بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از سدسازی ترکیه باعث کمبود آب در منطقه شده است، به گونه‌ای که پیش‌بینی شده است تا سال ۲۰۴۵ تقاضای آب در منطقه خاورمیانه به مقدار ۶۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. این مقدار چشمگیر نشان‌دهنده این است که بحران آب در آینده قطعی است و مدیریت صحیح منابع آب، اصلی‌ترین وظیفه کشورها و دولت‌هاست. کشورها باید در نظر داشته باشند که در هفت سال از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰، ۱۱۴ کیلومتر مکعب مجموع آب دو رودخانه دجله و فرات کاهش پیدا کرده است.^{۱۷۵} این کاهش، تأثیر مستقیمی بر زمین‌های کشاورزی، ایجاد خشکسالی و ریزگرد داشته و به بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در ترکیه و منطقه منجر شده است. قطعاً اگر با این پدیده برخورد نشود، در آینده منطقه شاهد پیامدهای منفی بسیار بیشتری خواهد شد. بنابراین آنچه در زمینه سدسازی توسط ترکیه باید مدنظر قرار گیرد، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی است. در این زمینه، علاوه بر کنوانسیون‌هایی که به حقوق آبراه‌های بین‌المللی توجه کرده‌اند، کنوانسیون‌های بین‌المللی متنوع دیگری نیز وجود دارند که اصول، حقوق و تعهدات زیست‌محیطی از جمله اصول استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین، توسعه پایدار، انصاف بین نسل‌ها، پیشگیری، احتیاط، همکاری بین‌المللی و حقوق و تعهداتی نظیر حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، تعهد به وضع مقررات داخلی در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست، تعهد به ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی، تعهد به رعایت حقوق مردمان بومی، تعهد به مقابله با خشکسالی و بیابان‌زایی را متوجه دولت‌ها کرده‌اند که ترکیه نیز از اجرای آن‌ها متمایز نیست. به‌ویژه این تعهدات، کشورها را متعهد کرده تا چیدمان توسعه را به نحوی طراحی کنند که منجر به تخریب غیرقابل جبران منطقه نشود.

در نهایت، همان‌گونه که در قسمت مسئولیت بین‌المللی در خصوص صدمات برون‌مرزی بیان شد، تعهدات دولت‌ها به‌موجب حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به قلمرو سرزمینی محدود نیست. معاهدات زیست‌محیطی به‌طور صریح، مسئولیت دولت‌ها را در برابر فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترلشان برای اینکه به محیط‌زیست سایر دولت‌ها یا مناطق آن سوی صلاحیت ملی خود خسارتی وارد نکنند به رسمیت شناخته‌اند.

بنابراین، ترکیه مسئول خسارات وارده به ایران است. لذا باید مطابق مفاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نسبت به توقف و عدم تکرار عمل متخلفانه (سدسازی‌های غیراصولی) اقدام کند.^{۱۷۶} به‌علاوه خسارات واردشده باید با استفاده از شیوه‌های جبران خسارت در نظام مسئولیت بین‌المللی جبران شود.^{۱۷۷}



176. Art. 30, The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, 2001.
177. Art. 34, *Ibid.*

منابع:**الف. فارسی****– کتاب**

- اسپیدینگ، د.ج؛ *آلودگی هوا*، ترجمه: منصور کیان‌پور راد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- الکساندر کیس، پیترو سند اچ، وینفراید لانگ؛ *حقوق محیط‌زیست*، ترجمه: محمدحسن حبیبی، جلد اول، چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- بوتکین، دانیل؛ *شناخت محیط‌زیست*، ترجمه: عبدالحسن وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲.
- ذوالفقاری، حسن؛ *مبانی محیط‌زیست*، چاپ دوم، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۹۱.
- طلایی، فرهاد؛ *حقوق بین‌الملل کاربردی*، مجد، ۱۳۸۱.
- عباسی، بیژن؛ *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، چاپ دوم، دادگستر، ۱۳۹۰.
- لووت و لوان اسمیت و سرفردریک جان گلدسمید؛ *آرای هیئت داوران ۱۹ اوت ۱۸۷۲ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۵، متن آرای مندرج در سنت جان، پارس شرقی: روایتی از سفرهای کمیسیون مرزی پارس*، جلد اول، لندن، ۱۸۷۶.
- مجنونیان، هنریک؛ *راهبردهای معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده*، سازمان حفاظت از محیط‌زیست، جلد دوم، ۱۳۷۷.
- موسوی، سیدفضل‌الله؛ *حقوق رودخانه‌های بین‌المللی*، دادگستر، ۱۳۸۹.
- مولایی، آیت؛ *مبانی و اصول توسعه پایدار زیست‌محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجموعه حقوق محیط‌زیست، نظریه‌ها و رویه‌ها، دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت از محیط‌زیست، ۱۳۸۸.
- میرزایی یگنجه، سعید؛ *تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد*، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

– مقاله

- پورعلی، ملیحه؛ «بررسی علل و منشأ ایجاد گردوغبار در استان خوزستان»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، شماره ۳، پیاپی ۹۴، بهار ۱۳۹۰.
- حق‌شناس، نیلوفر و اصغر جعفری ولدانی؛ «طرح تغییر مسیر اروندرود و حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۶۹.

- شیرازیان، شیرین و عطیه خطیبی؛ «حقوق بهره‌برداری غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، *پایداری، توسعه و محیط‌زیست*، دوره دوم، شماره ۴، پیاپی ۸، زمستان ۱۳۹۴.
- عوامی، اکرم؛ «سدها و توسعه: چارچوب جدید برای تصمیم‌گیری»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۶، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۵.
- محمدی، عباس؛ «نگاهی به طرح عظیم GAP در ترکیه و آثار آن بر حوضه دجله و فرات»، *ماهنامه آب-جهان سبز*، شماره‌های ۴ و ۵، بهمن و اسفند ۱۳۹۴.
- مولایی، یوسف؛ «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط‌زیست سالم»، *فصلنامه حقوق*، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶.
- موسوی، سیدفضل‌الله، سیدحسن حسینی و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۷، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۴.

ب. انگلیسی

- Books

- Boyle, Alan E. & Anderson M. R., *Human Rights Approaches to Environmental Protection*, Clarendon, Oxford, 1996.
- Fitzmaurice, M., Omg, D. M. Merkouris P., *Research Handbook on International Environmental Law*, Edward Elgar Publishing, USA, 2010.
- Ksentini, Fatma Zohra, *Progress Reports Human Rights and the Environment*, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/1992/7. 1992.
- McCaffrey, Stephen C., *The Law of International Watercourses*, Oxford University Press Inc, 2nd ed., 2007.
- McIntyre, Owen, *Environmental Protection of International Watercourses under International Law*, Ashgate Burlington, USA, 2007.
- Sands & Peel, Jacqueline, *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, 2018.

- Articles

- J. Austin, "Canadian – United States Practice and Theory Respecting the International Law of International Rivers: A Study of the History and the Influence of the Harmon Doctrine", *Canadian Bar Review*, vol. 31, 1959.
- Gormely, W. Paul, "The Right to a Safe and Decent Environment", *The Indiana Journal of International Law*, vol. 28, 1988.

- Kirschner, Adele, J. & Tiroch Katrin, "The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective", *Max Planck Yearbook of United Nation Law*, vol. 16, 2012.
- McCaffrey, Stephen C., "The Harmon Doctrine One Hundred Years Later: Buried, Not Praised", *Nat. Resources J.*, vol. 36, 1996.
- Salman M. A. Salaman, "Entry into Force of the UN Watercourses Convention: Why Should It Matter?", *International Journal of Water Resources Development*, vol. 31, 2015.
- Soboka Bulto, Takele, "Between Ambivalence and Necessity Occlusions on the Path towards a Basin Wide Treaty in the Nile Basin", *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy*, vol. 20, 2009.
- Vannote, R. L., Minshall, G. W., Cummins, K. W., Sede, J. R. & Cushin, C. E., "The River Continuum Concept," *Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Science*, vol. 37, 1980.

- Documents

- Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, 1933.
- Giorgetta Sueli, The Right to a Healthy Environment/UN/Doc.A/Con NF.157/23, 12 July 1993.
- Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966.
- Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969.
- Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972.
- African Charter of Human and Peoples' Rights, 21 I.L.M 59, 1981.
- Convention C169 - Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989.
- Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage, 1972.
- Convention Establishing a Permanent Inter-State Drought Control Committee for the Sahel, 12 September 1973.
- Convention on Long-range Transboundray Air Pollution, 1979.
- United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982.
- Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer, 1985.
- American Convention on Human Rights, 1988.
- Convention on Early Notification of a Nuclear Accident, 1989.
- C169 - Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989.
- United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992.
- Convention on Biological Diversity (CBD) 1992.
- Convention for the Protection of Marine Environment of the North-East Atlantic, 1992.

- Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Helsinki, 1992.
- UN Convention to Combat Desertification, 1994.
- Convention on the Law of the Non-Navigational Use of International Watercourses, 1997.
- The Aarhus Convention, 1998.
- Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity, 2000, Montreal.
- Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, 2001.

- Online Articles

- Colchester, Marcus, "Dams, Indigenous Peoples and Ethnic Minorities", *Indigenous Affairs*, 1999, Available at: http://www.forestpeoples.org/sites/fpp/files/publication/2010/08/damsips_ethnicminoritiesnov00eng.pdf
- Divan, Shyam, "International Environmental Law". 2002, Available at: <http://www.nls.ac.in/CEERA/ceerafeb04/html/documents/internationalenvtlawshyamidiwan.htm>.
- Hepburn, Jarrod and Ahmad, Imran, "The principal of common but differentiated responsibilities", *CISDL*. 2005. Available at: <http://www.CISDL1.ORG/PDF>.
- Helfman, G. S., Collette, B. B. & Facey, D. E, "The Diversity of Fishes". *Blackwell Science*, Massachusetts, 1997, Available at: <http://www.sisal.unam.mx.pdf>.
- Ilias, Plakokefalos, "Prevention Obligations in International Environmental Law", *Amsterdam Center for International Law*. 2013. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2290211>.
- Matsui, Yashiro, "Some Aspect of the Principle of Common But Differentiated Responsibility", *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economic*. vol 2., No. 12. Japan: Nagoya University. 2002. Available at: <https://link.springer.com/article/10.1023/A:1020985925489>.
- Ward, J. V. & Stanford, J. A, "Ecological Connectivity in Alluvial River Ecosystems and Its Disruption by Flow Regulation", *Regulated Rivers: Research & Management*, 1995, 11(1), Available at: <http://www.d.umn.edu/~thrabik/Ward%20Stanford%20RegulatedRivers%201995.pdf>.

- Cases

- Caire Claim (*France v. Mexico*), 1929, 5 RIAA.
- Lake Lanouxs Arbitration (*France v. Spain*), 1957, Available at: <http://www2.ecolex.org/server2.php/libcat/docs/COU/Full/En/COU-143747E.pdf>.

- Corfu Channel Case, (*United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania*), 1949.
- Request for an Examination of the Situation with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (*New Zealand v. France*), Application of 9 May, 1973. Available at: <http://www.icjci.org/docket/index.php?pl=3&p2=3&code=nzf&case=97&k=cd.p.4>.
- The Nuclear Tests (*New Zealand v. France*) Case, 1995.
- ICJ Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders, 1996, vol. 1.
- ICJ, Gabcikovo-Nagymaros case, (*Hungary v. Slovakia*), General List No. 92, 25 September 1997.
- ICJ, Pulp Mills on the River Uruguay, (*Argentina v. Uruguay*). 10 April 2010.

- Others

- Universal Declaration of Human Rights, 1948. Available at: http://www.ohchr.org/EN/UDHR/Documents/UDHR_Translations/eng.pdf.
- Draft Declaration on the Right to International Solidarity, Available at: <http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Solidarity/DraftDeclarationRightInternationalSolidarity.pdf>.
- Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration, 1972), Available at: <http://www.un-documents.net/aconf48-14r1.pdf>.
- Rio Declaration on Environment and Development, 1992. Available at: http://www.unesco.org/education/pdf/RIO_E.pdf.
- Compendium of Judicial Decisions on Matters Related to Environment. 1998.
- Agenda 21. Chapter 6. Protecting and Promoting Health. Available at: <http://www.un.org/esa/sustdev/documents/agenda21/english/agenda21chapter6.htm>.
- Johannesburg Declaration on Sustainable Development. 2002.
- The Center for International Sustainable Development Law (CISDL), the principle of common but differentiated responsibilities: origins and scope: a report for the world summit on sustainable development, 2002. Available at: http://www.cisd.org/pdf/brief_common.pdf.
- Training Manual on International Environmental Law, 2006, Available at: www.unep.org/DPDL/Law/PDF/Law_training_Manual.pdf.
- United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, 13 September 2007, Available at: http://www.un.org/esa/socdev/unpfii/documents/DRIPS_en.pdf.

- Council Directive of 27 June 1985 on the Assessment in North America: Obstacles and Opportunities, *AALS Annual Meeting*, 2007, Available at: <http://www.aals.org/am2007/Thursday/eraik.pdf> Washington.D.C.
- The Millennium Development Goals, 2002.
- World Summit for Social Development Copenhagen Declaration on Social Development, 1995.

- Reports

- Reports of International Arbitral Awards, Trail Smelter Case, (*United States v. Canada*). 1938-1941.
- Report of the World Commission on Environment and Development, General Assembly, Forty-Second, 4 August 1987, available at: <http://www.worldinbalance.net/pdf/1987-brundtland.pdf>.
- Report of the World Summit for Social Development: Copenhagen, 6-12 March 1995. Available at: <http://daccess-ods.un.org/TMP/2498936.html>.
- Report of the International Court of Justice, Available at: www.icj-cij.org/files/annual-Reports/1998-1999-en.pdf.

ج. فرانسوی

- Arrêt du projet Gabčíkovo-Nagymaros (Hongrie/Slovaquie), 1997.
- l'ordonnance du Tribunal International du droit de la mer, 2001, Disponible à: https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_10/Order.03.12.01.F.pdf.
- L. Caflisch, "La Convention du 21 mai 1997 sur l'utilisations des cours d'eau internationaux à des fins autres que la navigation", *Annuaire Français de Droit International*, 1997.
- Merini Muriel, "Protection de l'individu contre les nuisances environnementales", *Revue trimestrielle des droits de l'Homme*, n° 65, Janvier 2006.
- Nouzha, ch. 2002. L'affaire de l'Usine Mox (*Irland c. Royaume-Unis*) devant le Tribunal international du droit de la mer: qu'elles mesures conservatoires pour la protection de l'environnement. *Actualité du Droit international*. www.ridi.org/adi, consulté le 23 mai 2007.
- P. M. Dupuy, *Les grands textes de droit international public*, 2^e éd., Dalloz, 2000.